



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



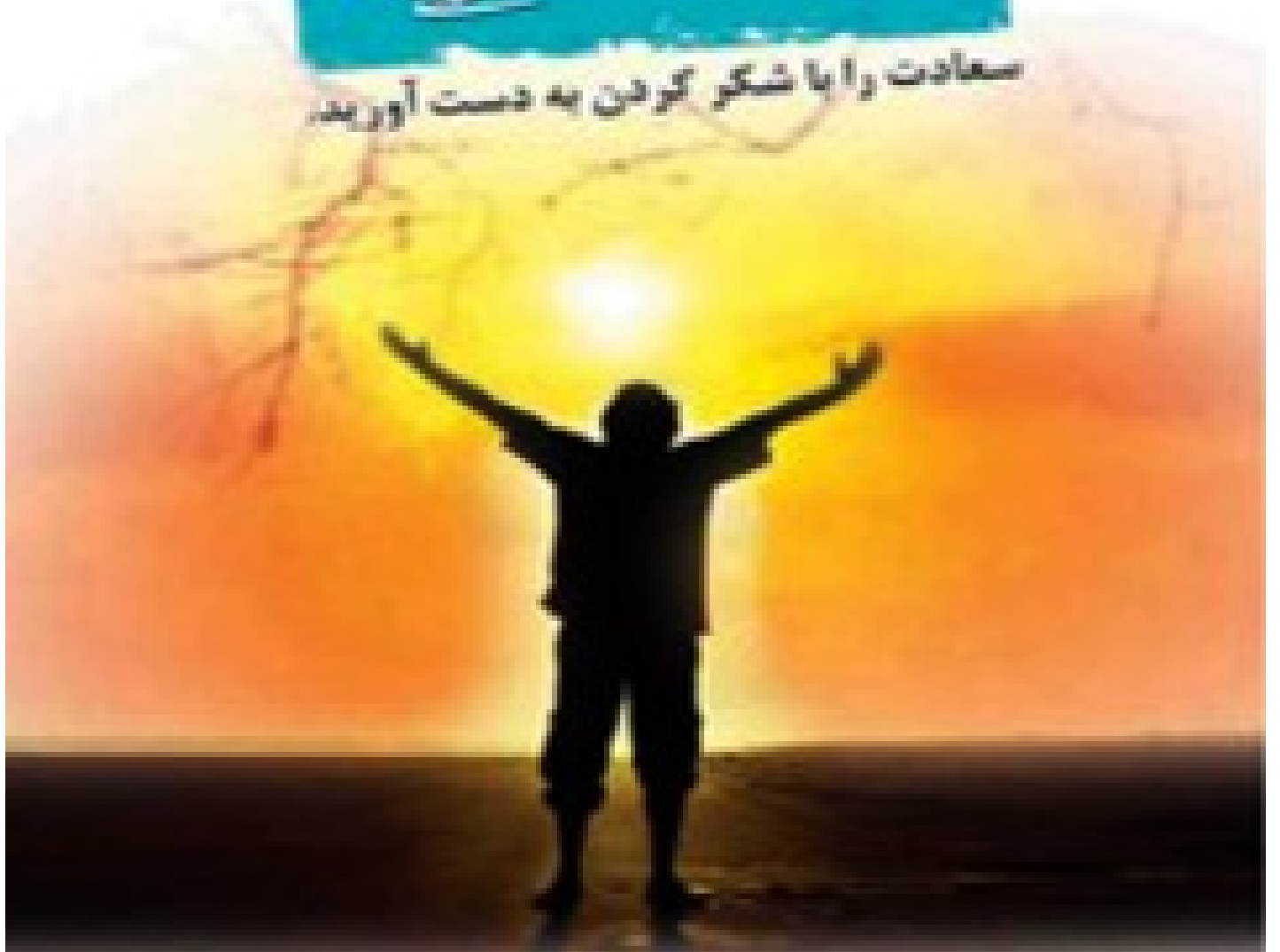
عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

اندیشه سیران



سعادت را با شکر کردن به دست آورید.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راز شکرگزاری

نویسنده:

مهدی خدامیان آرانی

ناشر چاپی:

دعوت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|-----------------------------------|
| ۵ | فهرست |
| ۷ | راز شکرگزاری |
| ۷ | مشخصات کتاب |
| ۷ | مقدمه |
| ۸ | شکر نعمت، نعمت افزون کند! |
| ۱۰ | ترسی بزرگ وجودم را فرا گرفته است! |
| ۱۲ | ماشین سمندی که دزدیده شد! |
| ۱۴ | چرا این قدر خودت را خسته می کنی؟! |
| ۱۵ | چرا این چنین بر خاک افتاده ای! |
| ۱۹ | ثواب زیادی برای خود کسب کن! |
| ۲۱ | امتحان بزرگی در پیش است |
| ۲۲ | راه نجات از فشار قبر |
| ۲۳ | بهترین عبادت ها چیست؟ |
| ۲۵ | مثل من بنده شکرگزار باش |
| ۲۶ | چرا از مردم تشکر کنیم؟ |
| ۲۸ | احترام نان و برکت خدا را بگیر |
| ۲۹ | ای موسی، حق شکرم را ادا کن! |
| ۳۰ | از نعمت های خدا سخن بگو |
| ۳۳ | فروتنی بهترین شکر است |
| ۳۵ | بهترین برنامه شکرگزاری |
| ۳۷ | خدایی که از بنده اش تشکر می کند! |
| ۳۹ | سجده شکر پیامبر مهربانی ها |
| ۴۰ | در زندگی به چه کسی نگاه کنم! |
| ۴۲ | پیش به سوی شادمانی |

- ۴۴ برای تحوّل در زندگی خود اقدام کن!
- ۴۵ هر که بیشتر شکر می کند، زرنگ تر است!
- ۴۷ آیا از فیلتر ذهن خود خبر دارید؟
- ۴۹ منابع
- ۵۷ نویسنده، کتب، ناشر
- ۵۷ ارتباط با نویسنده
- ۵۷ اشاره
- ۵۷ سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۴۵۶۹ -
- ۵۷ سایت www.hasbi.ir
- ۵۷ ایمیل khodamian@yahoo.com
- ۵۷ درباره نویسنده
- ۵۹ کتب نویسنده
- ۵۹ کتب فارسی
- ۵۹ اشاره
- ۵۹ رمان مذهبی
- ۶۰ آموزه های دینی
- ۶۱ کتب عربی
- ۶۲ نشر وثوق
- ۶۳ خرید کتاب های فارسی نویسنده
- ۶۳ تلفکس: ۰۲۵۳-۷۷ ۳۵ ۷۰۰
- ۶۳ همراه: ۰۹۱۲ ۲۵۲ ۵۸ ۳۹
- ۶۳ خرید اینترنتی: سایت نشر وثوق: www.Nashrvosoogh.com
- ۶۳ سامانه پیام کوتاه نشر وثوق ۳۰۰۰۴۶۵۷۷۳۵۷۰۰ -
- ۷۴ درباره مرکز

راز شکرگزاری

مشخصات کتاب

سرشناسه : خدامیان آرانی، مهدی، ۱۳۵۳ -

عنوان و نام پدیدآور : راز شکرگزاری / مهدی خدامیان آرانی.

مشخصات نشر : تهران: دعوت ، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۸۸ص.

شابک : ۱۳۰۰۰ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۹-۶۲-۹

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : کتابنامه:ص.۸۱.

موضوع : شکر

موضوع : *Gratitude to God

موضوع : راه و رسم زندگی

موضوع : Conduct of life

رده بندی کنگره : BJ۱۵۳۳/ش ۸ خ ۴ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۱۷۹/۹

شماره کتابشناسی ملی : ۱۷۶۲۸۱۰

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیا می خواهید ثروت شما در زندگی زیاد و زیادتر شود؟

آیا دوست دارید آرامشی بس بزرگ را تجربه کنید و زندگی برای شما دلنشین شود؟

آیا از هیاهوی این طرف و آن طرف دویدن و حرص زدن خسته شده اید؟

این کتاب به شما کمک می کند تا با راز بزرگ شکرگزاری آشنا شوید و در صورتی که آن را در زندگی به کار گیرید، زندگی خود را متحول خواهید کرد.

درد امروز جامعه ما این است که همه کنار پنجره زندگی خود ایستاده اند و همواره به بیرون نگاه می کنند، برای همین آنها نمی توانند زیبایی های زندگی خود را ببینند!

سخن کتاب حاضر این است:

«همان طور که کنار پنجره زندگی خود ایستاده اید، صد و هشتاد درجه بچرخید و این بار به زندگی خود نگاه کنید، دست از مقایسه و چشم و هم چشمی بردارید، آنگاه خواهید دید که زندگی شما هم به اندازه خودش زیبا است».

با خواندن این کتاب می توانید کاری کنید که خدا هم از شما تشکر کند، چرا که شما با راز بزرگی آشنا شده اید.

بسیار خوشحال می شوم که از نظرات شما در مورد این کتاب بهره ببرم ، منتظر شما هستم .

مهدی خُدامیان آرانی

قم، اسفند ۸۸

شکر نعمت، نعمت افزون کند!

عمر تو را به دو مرحله تقسیم کرده ایم: در یک مرحله در ناز و نعمت خواهی بود و در مرحله دیگر در فقر و تنگدستی!

اکنون اختیار با خودت است، آیا می خواهی ایام جوانیت در فقر باشی و بعد از آن به ثروت برسی یا اینکه در اول زندگی در ناز و نعمت باشی و بعدا به فقر مبتلا شوی!

این سخنانی بود که آن مرد می شنید. فرشته ای از جانب خدا مأمور

شده بود تا این پیام را به این مرد برساند.

اگر شما جای او بودید چه می کردید؟ کدام را انتخاب می کردید؟

اجازه بدهید من با همسر من مشورت کنم.

آری، این مرد همسری دانا داشت و می دانست که می تواند در این زمینه او را یاری کند.

همسر او لحظاتی فکر کرد و گفت: عزیزم! بهتر است که ابتدا ثروت را انتخاب کنی.

مرد به آن مأمور الهی اعلام کرد که می خواهم در مرحله اول زندگی ثروتمند زندگی کنم و بعد از آن به آغوش فقر بروم.

به اذن خدا ثروت به سوی این مرد رو کرد و مال و دارایی او به اندازه ای زیاد شد که هیچ کس باور نمی کرد.

آنها زندگی خوش و خرمی را آغاز کردند و همواره در ناز و نعمت بودند.

یک روز همسر آن مرد به او رو کرد و گفت: اکنون که خدا به ما ثروت زیادی داده است آیا نمی خواهی شکر آن را بجا آوریم؟

مرد در پاسخ گفت: به نظر تو چگونه می توانیم شکر این نعمت ها را بجا آوریم؟

زن در پاسخ گفت: نگاه کن آن همسایه روبروی خانه من در فقر و نداری زندگی می کند، بیا به او کمک کنیم، فلانی را می شناسی او هم نیازمند است، بیا به او هم کمک کنیم.

مرد فکر همسر خود را پسندید و آنها همیشه تلاش می کردند تا با کمک کردن به دیگران شکر نعمت هایی را که خدا به آنها داده بود، بجا آورند.

روزگار سپری شد، تا اینکه مرحله اول عمر آن مرد تمام شد و هر لحظه منتظر بود تا مرحله دوم زندگی او فرا رسد.

او منتظر بود تا روزگار فقر و بیچارگی او از راه برسد، اما هر چه صبر

کرد از فقر و نداری خبری نشد. او به دنبال جواب این معما بود، چگونه است که روزگار فقر، شروع نمی شود.

او این چنین جواب شنید: خداوند به تو نعمت داد و تو شکر آن بجا آوردی و خداوند در مقابل، فقر و نداری را از تو دور کرد و تو تا آخر عمر در ناز و نعمت خواهی بود. ۱.

آری، اگر شکر نعمت هایی که خدا به تو داده است، بجا آوری آن نعمت ها برای تو باقی می ماند و تو می توانی برای مدت طولانی از آنها استفاده کنی، اما کفران نعمت باعث می شود تا نعمت ها از دست تو خارج شود. ۲.

ترسی بزرگ وجودم را فرا گرفته است!

داشتم قرآن می خواندم که به آیه ۱۸۲ سوره اعراف رسیدم، آنجا که خداوند سخن از «استدراج» به میان می آورد. آیا می دانی «استدراج» چه معنایی دارد؟

این که انسان گناه کند و از خدای متعال غافل شود به گونه ای که دیگر زمینه هدایت برای او نباشد پس خداوند هم با زیاد کردن مال و ثروت، او را به دنیا مشغول می کند و او آن چنان غرق دنیا می شود که دیگر توبه را فراموش می کند.

آری، آنان که همواره گرد گناه می گردند ولی به جای بلا و گرفتاری، نعمت و ثروت به سوی آنها رو می کند باید بدانند که این نعمت ها از روی مهربانی خدا نیست بلکه نشانه غضب خداوند است.

این قانون خدا است، او گنهکارانی را که دیگر امیدی به بازگشت آنها نیست به استدراج مبتلا می کند و آرام آرام آنها را از رحمت خود دور می کند و زمینه ای فراهم می کند تا آنان خدا را فراموش کنند و پس از آن به یکباره در عذاب گرفتار آیند.

از شما چه پنهان

که من وضع مالی خوبی داشتم و همواره در ناز و نعمت بودم و از طرف دیگر عده ای را می دیدم که افراد مؤمنی بودند ولی در فقر و نداری زندگی می کردند.

آنها محتاج نان شب خود بودند و چه بسا شب ها گرسنه به خواب می رفتند. اما خداوند به من نعمت های زیادی داده بود، خانه بزرگی داشتم و چند نفر در خانه من به خدمتگزاری مشغول بودند.

من فردی بودم که سعی می کردم گرد گناه نروم اما همیشه یک ترس بزرگ داشتم که آرامش را از من گرفته بود.

ترس من این بود که این ثروتی که خدا به من داده است، نشانه استدراج باشد. آیا خداوند می خواهد با این ثروت مرا از خود دور کند؟ مبادا گناهان من باعث شده است که خداوند از هدایت من ناامید شده باشد، برای همین با فرو ریختن نعمت و ثروت، می خواهد او را فراموش کنم و به یکباره مرا در عذاب خود بیفکند.

آیا شما راه حلی می شناسید تا افرادی مثل من از این ترس رها شوند؟ اگر شما به آنها کمک کنید تا زنده اند دعاگوی شما خواهند بود، فکری به خاطر می رسد.

خوب است خدمت امام صادق(ع) بروم و از آن حضرت راهنمایی بخواهم. ای امام مهربان! من هر چه از خدا خواسته ام به من داده است. دست به هر کاری می زنم موفق می شوم و ثروت زیادی نصیبم می شود! اما مردمان مؤمنی را می بینم که ایمانشان از من قوی تر است، اما آنها در فقر زندگی می کنند!

من می ترسم این همه ثروتی که خدا به من داده است به خاطر «استدراج» باشد، نکند خدا این طوری می خواهد مرا از یاد خود دور کند.

امام صادق(ع) نگاهی

به من کرد و فرمود: «ای سعدان! آیا تو شکر این نعمت ها را بجا می آوری؟ اگر بنده شکرگزاری باشی و حق شکر را ادا کنی دیگر این نعمت ها به هیچ وجه «استدراج» نیست. تا زمانی که شکر و ستایش خدا را فراموش نکرده ای، نترس! بدان که این نعمت ها همه رحمت خدا است و خداوند تو را دوست داشته و این همه نعمت به تو ارزانی داشته است. از آن روزی بترس که خدا به تو نعمتی بدهد و تو شکر آن را بجا نیاوری. آن روز است که «استدراج» شروع می شود و تو باید نگران باشی.» ۳

دوست خوبم! از نعمتی که خدا به تو بدهد و تو شکر آن را بجا نیاوری بترس! همین الان کتاب را به زمین بگذار و سجاده ات را باز کن و به سجده برو. سجده شکر کن به خاطر آن همه نعمت هایی که خدا به تو داد و تو فراموش کردی که شکر آنها را بجا آوری!

ماشین سمندی که دزدیده شد!

من در شهر مقدّس قم زندگی می کنم ولی دوستان زیادی در شهر اصفهان دارم که با یکدیگر در سفر حج و عمره آشنا شده ایم چون بارها به عنوان روحانی همراه کاروان های حج و عمره اصفهان به مکه سفر کرده ام.

ساعت ۱۱ شب بود که تلفن زنگ زد، حسین آقا پشت خط بود.

تازه فهمیدم که حسین آقا بعد از یک عمر پس انداز کردن، هفته قبل، یک ماشین سمند خریداری کرده که درست بعد از یک هفته آقای دزد آن را برای خود برده است!

من با شنیدن این خبر ناراحت شدم و به او گفتم: آیا به پلیس خبر داده ای؟

او در جواب گفت: آری، به

او گفت: حسین آقا! نذر کن اگر ماشینت پیدا شد حقّ شکر خدا را بجا آوری.

او هم قبول کرد و بعد با هم خداحافظی کردیم.

فردا عصر ساعت ۵ بعد از ظهر بود که من تازه به خانه رسیده بودم، دیدم درِ خانه ما، یک ماشین سمند نو پارک شده است.

خدایا! چه کسی ماشینش را اینجا پارک کرده است!

داخل خانه رفتم، بله حسین آقا با خانواده در اتاق پذیرایی ما نشسته بودند.

معلوم شد که پلیس نیمه شب آقای دزد را دستگیر کرده و صبح به حسین آقا خبر می دهند، او هم می رود ماشین را تحویل می گیرد و فوراً با خانواده به سوی شهر قم حرکت می کند تا هم به زیارت حضرت معصومه مشرف شوند و هم نذر خودش را ادا کند.

حسین آقا گفت: خوب، ما آمده ایم به نذر خودمان عمل کنیم، می خواهیم حقّ شکر خدا را ادا کنیم، بفرمایید چه باید بکنیم؟

من نگاهی به حسین آقا کردم و گفتم: خیلی ساده است، یک بار با صدای بلند بگو: «الحمد لله».

حسین آقا با تعجب به من نگاه کرد، خیال می کرد که من با او شوخی می کنم؛ اما وقتی فهمید من خیلی جدی دارم سخن می گویم واقعا گیج شد!

او گفت: آخر چگونه ممکن است من با گفتن یک «الحمد لله» به نذر خود عمل کرده باشم و حقّ شکر خدا را انجام داده باشم.

من بلند شدم، از قفسه کتاب ها، کتاب «اصول کافی» را بیرون آوردم و این روایت را برای او خواندم:

به امام صادق (ع) خبر دادند که اسب او گم شده است، آن حضرت فرمود: اگر اسب من پیدا شود حقّ شکر خدا را ادا خواهم نمود. مدّتی گذشت تا این که

یکی از یاران امام، اسب را پیدا کرد و آورد. در این لحظه امام رو به آسمان کرد و یک «الحمد لله» گفت. یکی از اطرافیان از امام سؤل کرد: شما فرمودید که اگر اسب من پیدا شود حق شکر خدا را ادا خواهم نمود. امام در جواب گفت: آیا نشیدی که من «الحمد لله» گفتم؟ ۴؟

آری، امام می خواست این پیام را به دیگران برساند که اگر با شناخت کافی، شکر خدا را بکنیم همان یک بار الحمد لله هم کفایت می کند.

مهم آن است که با توجه و حضور قلب، این ذکر را بگوییم و تمام وجودمان شکرگزار خدا باشد، نه اینکه با زبان، ذکر بگوییم اما دلمان جای دیگر باشد.

چرا این قدر خودت را خسته می کنی؟!

شب از نیمه گذشته است و همه مردم در خواب هستند.

نور مهتاب آسمان مدینه را روشن کرده است، همه جا سکوت است و آرامش.

همسر پیامبر در بستر خوابیده است که صدایی به گوشش می خورد.

در این نیمه شب، صدا از کجا می آید؟

او برمی خیزد و پیامبر را در بستر نمی بیند. پیامبر کجاست؟ او به جستجوی پیامبر می رود و پیامبر را در حال نماز و مشغول عبادت می یابد!

آری، صدای گریه پیامبر بود که او را از خواب بیدار کرد.

نور مهتاب از پنجره به اتاق تابیده و چهره پیامبر را روشن کرده است.

چهره پیامبر چه دلربا تر شده است!

همه فرشتگان نیز به تماشای این قطرات اشکی نشسته اند که بر گونه پیامبر جاری است.

نمی دانم خدا این اشک ها را با چه قیمتی خریداری می کند؟!

همسر پیامبر صبر می کند تا نماز حضرت تمام شود، آنگاه می گوید: ای رسول خدا! چرا این قدر خودتان را خسته می کنید؟
برای چه این قدر نماز می خوانید؟ خدا، تمام

گناهان شما را بخشیده است. مگر خداوند به تو وعده بهشت نداده است؟ پس دیگر برای چه این قدر اشک می ریزی و عبادت می کنی؟

پیامبر لبخندی می زند و می فرماید: درست است که خدا به من وعده بهشت داده است، اما آیا من بنده شکرگزاری نباشم! آیا نباید در مقابل این همه نعمتی که خدا به من داده است تشکر کنم؟

آری، همسر پیامبر خیال می کرد هر کس که در دل شب اشک بریزد و با خدا خلوت کند از ترس جهنم به خدا پناه می برد.

او نمی دانست که به گونه دیگری هم می توان عبادت کرد و اشک ریخت!

اشک چشم پیامبر اشک ترس نیست!

او اشک می ریزد و به سجده می رود تا از خدا تشکر کند!

دوست من! تو هم امشب، همین نیمه شب وضو بگیر و به نماز بایست!

مگر پیامبر بزرگترین الگو برای همه ما نیست؟

بیا یکبار هم که شده در دل شب نه از ترس خدا بلکه از روی عشق برای خدایی نماز بخوانیم که به ما این همه نعمت ارزانی داشته است!

آیا می دانید این گونه خدا را عبادت کردن، مایه آرامش می شود؟

وقتی تو به خاطر تشکر از خدا، نماز می خوانی و به سجده می روی به طور ناخودآگاه به نعمت هایی که خدا به تو داده است توجه پیدا می کنی، به داشته های در زندگی فکر می کنی، مثبت اندیش می شوی و دیگر هیچ گاه به نداشته ها و کاستی ها، فکر نخواهی کرد.

با این گونه عبادت کردن، زیبایی های زندگی خود را در خاطر و فکر خود درشت و درشت تر می کنی و اینجاست که متوجه می شوی که خدا چقدر به تو نعمت داده است و تو از آنها غافل بوده ای! ۵

چرا این چنین بر خاک افتاده ای!

نمی دانم مرا می شناسی یا نه؟

اسم من

اسحاق بن عمار است و اهل کوفه هستم، روزگار درازی بود که آرزوی دیدن امام صادق(ع) را به دل داشتم. ۶.

اکنون خدا به من توفیق داده است که به شهر مدینه سفر کنم و ضمن زیارت حرم رسول خدا، از فیض حضور امام صادق(ع) نیز بهره ببرم.

امروز تصمیم گرفته ام که به خانه آن حضرت بروم، آیا شما همراه من می آیید؟
دیگر راه زیادی نمانده است، از این پیچ که بگذریم به خانه آن حضرت می رسیم.
نگاه کن!

امام صادق(ع) دارند از خانه خارج می شوند! در این وقت روز، آن حضرت به کجا می روند؟

آیا موافقید همراه آن حضرت برویم؟

بعد از عرض سلام و ادب، با آن حضرت همراه می شویم، چند نفر از دیگر دوستان نیز به ما ملحق می شوند.

در بین راه با امام مشغول صحبت می شویم و سؤال های خود را از آن حضرت می پرسیم و ایشان با روی باز به سؤال های ما پاسخ می دهند.

آری، آن حضرت همواره از هر گونه سؤالی استقبال می کردند و هرگز با تندی با سؤال کننده برخورد نمی کردند.

دوست من! آن امام زیبایی ها هیچ گاه به سؤال ما لقب شبهه نمی دادند!

خلاصه کلام آنکه ما همین طور داشتیم با امام خویش سخن می گفتیم که ناگهان دیدیم امام رو به قبله ایستاد و به سجده رفت!

همه تعجب کردیم. بعد از لحظاتی امام صورت خود را بر روی خاک گذاشت و مشغول دعا شد.

مدّت زیادی گذشته بود و امام هم چنان در سجده بود!

امام سر از سجده برداشتند در حالی پیشانی و صورت آن حضرت خاک آلود شده بود و برای همین آن حضرت دستی به سر و صورت خود کشیدند.

من رو به امام کردم و گفتم: چرا شما در اینجا

به سجده رفتید؟

امام با مهربانی به من نگاه کردند و فرمودند: ای اسحاق! وقتی داشتم با شما راه می رفتم ناگهان به یاد یکی از نعمت هایی افتادم که خدا به من داده بود. دوست داشتم در مقابل خدای خویش به سجده بروم و شکر آن را بجا آورم، نخواستم هنگامی که این نعمت خدا را یاد کردم با بی توجهی از آن بگذرم، هر گاه خداوند نعمتی را به بنده خود بدهد و آن بنده در سجده شکر آن را بجا آورد خداوند به فرشتگان دستور می دهد تا نعمت های زیادتری به آن بنده بدهند. ۷.

بیا از امروز من و تو هم هر گاه به یاد نعمتی افتادیم که خدا به ما داده است به سجده برویم و شکر خدا را بجا آوریم.

سعی کنید هنگامی که به سجده می روید با وضو باشید چرا که در این صورت خداوند متعال برای شما ثواب ده کار نیکو می نویسد و ده گناه بزرگ شما را می بخشد.

آری، وقتی به یاد نعمتی از نعمت های خدا افتادید به سجده بروید و با این کار بخشش و مغفرت خدا را به سوی خود جذب کنید. ۸.

البته بسیار خوب است که بر روی خاک سجده نمایید چرا که خداوند دوست دارد صورت بنده خود را خاک آلود ببیند!

نمی دانم این حکایت را شنیده ای که خداوند به حضرت موسی (ع) فرمود: ای موسی! آیا می دانی که چرا من تو را به پیامبری انتخاب کردم و تو را برای هم صحبتی خود انتخاب نمودم؟

موسی در جواب گفت: نه.

خداوند فرمود: ای موسی! دیدم که تو در مقابل عظمت من به سجده می روی و صورت خود را بر خاک می نهی، پس تو را از همه مردم دنیا

متواضع تر یافتیم و برای همین تو را به پیامبری انتخاب نمودم.

در این هنگام موسی(ع) بار دیگر به سجده رفت و صورت خود را بر خاک قرار داد.

خطاب رسید: ای موسی! سر خود را بالا بگیر، و این خاک ها که بر صورت داری را بر بدن خود بمال که من این خاک را شفای درد جسم و جان تو قرار داده ام.۹

دوست من! یک مَهر نماز را بردار و آن را خرد کن. اکنون تو خاک تمیز داری. این خاک را داخل جانماز مخصوصی قرار بده، و سعی کن که بر روی آن خاک سجده کنی و صورت خود را روی آن بگذاری.

پیشنهاد می کنم، مهری را که می خواهید خرد کنید، مهر کربلا نباشد زیرا تربت امام حسین(ع) احترام دارد و شما موقعی که می خواهید صورت خود را بشویید ممکن است ذرات خاک تربت، به زمین بریزد و به آن بی احترامی شود.

بگذار فرشتگان آسمان صورت خاک آلوده تو را ببینند. این تواضع و فروتنی تو نزد خدا بسیار ارزش دارد.

به هر حال هر گاه به یاد نعمتی از نعمت های خدا افتادی به سجده برو و از خدای مهربان خویش، تشکر کن.

شاید بگویی که من موقعی که در محل کار هستم، چگونه به سجده بروم؟

شاید برای شما جالب باشد امام صادق(ع) دو راه حل در اینجا بیان کرده است. ۱۰

آیا می خواهید از این راه حل باخبر شوید؟

الف . هنگامی که در محل کار خود هستی و ناگهان به یاد نعمت های زیبایی که خدا به تو داده است می آفتی پس دست خود را به سینه ات بگیر و مقداری به جلو خم شو!

چگونه وقتی شخص محترمی را می بینی با گذاشتن دست روی سینه، ادب

می کنی!

اکنون که نمی توانی به سجده بروی پس دست به سینه بگیر و مقداری به سمت جلو خم شو و این گونه فروتنی و تواضع خود را در مقابل خدای خویش اعلام کن!

ب . کف دست راست خود را بالا- بیاور و گونه سمت راست خود را به نیت سجده به روی کف دست خود بگذار و حمد خدا بنما. ۱۱

اگر در حکایت بالا خوب دقت کرده باشی، متوجه شده ای که امام صادق(ع) در ابتدا پیشانی خود را به زمین گذاشتند و بعد از آن صورت خود را روی زمین نهادند، شما این دو کار را با هم انجام بدهید؛ ابتدا به نیت سجده دست به سینه بگیرید، مقداری به جلو خم شوید و بعد هم به نیت گذاشتن صورت خود به زمین، صورت خود را روی کف دست خود بگذارید.

مهم این است که در آن لحظه ای که به یاد نعمت خدا می افتی بی خیال نباشی و به هر وسیله ای که می توانی تواضع خود را نسبت به خدا نشان دهی!

ثواب زیادی برای خود کسب کن!

ما انسان ها بسیار فراموشکار هستیم و اگر همواره در ناز و نعمت باشیم چه بسا خدا را فراموش می کنیم.

برای همین گاه می شود که خداوند برای آنکه جلو غفلت ما را بگیرد ما را به بلایی مبتلا می کند تا از خواب بیدار شویم و دوران غفلت ما طولانی نشود.

به هر حال همه کارهای خداوند از روی حکمت می باشد و به خیر و صلاح بنده او است.

امام کاظم(ع) در سخن خود می فرماید: ایمان شما کامل نمی شود تا زمانی که بلا را نعمت بدانید! ۱۲

آری، این بلایی که بر ما وارد می شود باعث می شود تا گناهانمان بخشوده شوند و قلب ما آمادگی پیدا

کند تا به خدای مهربان نزدیک شود.

انسانی که به بلا گرفتار شده است با سرعت زیادی می تواند پله های کمال معنوی را طی نماید و از مقربان درگاه خدا شود.

امام باقر(ع) فرمودند: هر چه میزان ایمان کسی زیادتر شود بلای بیشتری به او می رسد. ۱۳

خواننده محترم! اگر شما در زندگی خود به بلایی گرفتار شدید باید از این فرصت پیش آمده کمال استفاده را بنمایید و با صبر از این امتحان موفق بیرون بیایید که در این صورت هزاران هزار جایزه معنوی در انتظار شما است.

شاید فکر کنید که اگر ما بخواهیم به کمال و رشد معنوی برسیم حتما باید به بلا گرفتار شویم.

معلوم است که این سخن درست نیست چرا که می توان به هیچ بلایی گرفتار نبود و پله های کمال را طی نمود.

به این سخن گوش فرا دهید.

امام صادق(ع) فرمودند: آن کسی که در ناز و نعمت زندگی می کند و شکرگزار خداوند هست نزد خداوند مانند کسی است که به بلا مبتلا شده است و صبر می کند. ۱۴

آری، اگر در ناز و نعمت بودی و شکرگزار آن بودی، از مسیر کمال معنوی خارج نشده ای!

مهم این است که در هر شرایطی هستی به وظیفه ات عمل کنی و باور کنی هر آن چه از دوست رسد نیکو است!

شکر تو در حال نعمت همچون صبر تو در حال بلا ارزش دارد!

مگر تو در اینکه خدا تو را دوست دارد شک داری؟

او بهترین دوست تو است و اگر گاهی برای تو بلایی می فرستد می خواهد تو را از آلودگی ها پاک کند.

وقتی تو بر این بلا صبر می کنی روح بار دیگر نورانی می شود و آماده آن می شوی تا رحمت بی انتهای خدا را به سوی

خود جذب کنی!

و آن هنگام که ثروت و نعمت را بر تو نازل می کند و تو شکر این نعمت را می نمایی و ممنون او می شوی، با همین شکر کردن بیشتر به او نزدیک می شوی و او هم تو را بیشتر دوست می دارد.

امیدوارم تو از جمله آنانی باشی که باور دارند، خدا آنان را دوست دارد!

امتحان بزرگی در پیش است

من و عده ای از دوستان خود در خانه امام صادق(ع) نشسته بودیم و از حضور آن حضرت بهره معنوی می بردیم.

در این میان یکی از شیعیان وارد شد و خدمت امام صادق(ع) سلام کرد.

امام با گرمی جواب او را دادند و او را کنار خود نشانند.

از ظاهر او معلوم بود که از راه دوری آمده است. آری، او سدید است که از کوفه می آید. بعد از لحظاتی امام به او رو کرد و فرمود: «ای سدید! وقتی مال و ثروت کسی زیاد شود باید بداند که خداوند او را در شرایط امتحان قرار می دهد. شما می توانید با کمک کردن به برادران مومن خود از این امتحان پیروز بیرون بیایید. با نعمت هایی که خدا به شما می دهد همراهی خوبی داشته باشید! شکر گزار کسی باشید که به شما نعمت ارزانی داشته است، چرا که در این صورت است که خداوند نعمت خود را برای شما زیاد خواهد نمود. خداوند در قرآن فرموده است که اگر شکر گزار من باشید نعمت های خود را برای شما زیاد خواهم نمود.» ۱۵.

همه ما با دقت به کلمات امام گوش فرا دادیم و تصمیم گرفتیم تا همواره به برادران دینی خود کمک کنیم، اگر خداوند به ما ثروت و مال دنیا داده است از این ثروت برای رفع نیاز مردم

استفاده کنیم.

آری، بهترین شکرگزاری این است که به دیگران کمک کنیم و غمی را از دلی بزدایم.

راه نجات از فشار قبر

پیامبر اسلام می خواهد برای جنگ با کفار به سوی کوه احد برود، اما دلش نگران دخترش رقیه است، زیرا او بیمار شده است.

به عیادت او آمد و با او سخن گفت، سپس با او خداحافظی کرد و به سوی میدان جنگ حرکت کرد، هیچ کس باور نمی کرد این آخرین دیدار این دختر و پدر باشد.

پیامبر از جنگ که برمی گردد رقیه از دنیا رفته است. مردم برای تشییع جنازه دختر پیامبر جمع می شوند و بدن رقیه را به خاک می سپارند.

نگاه کن! این حضرت فاطمه(س) است که به کنار قبر خواهرش می آید و شروع به گریه کردن می کند.

پیامبر جلو می آید و اشک چشم فاطمه(س) را پاک می نماید.

اما دیگر غم امان نمی دهد، اشک بر چهره زیبای پیامبر می نشیند!

اشک پیامبر آرام آرام از گونه به سینه می چکد!

ناگهان حضرت دست های خود را به سوی آسمان می گیرد، دعا می کند و اشک می ریزد!

پیامبر با خدای خود راز و نیاز می کند. به راستی پیامبر از خدا چه می خواهد؟

خود پیامبر جواب این سوال ما را می دهد: «من از خدا خواستم تا به خاطر من فشار قبر را از دخترم رقیه بردارد». ۱۶

فشار قبر آن قدر وحشتناک است که پیامبر اشک می ریزد و از خدا می خواهد که دخترش را از فشار قبر نجات دهد.

بی خود نبود که امامان ما همواره از فشار قبر به خدا پناه می بردند. ۱۷

آیا شما راه حلی برای رهایی از فشار قبر می شناسید؟

آیا می دانید که علت اصلی فشار قبر چه می باشد؟

پیامبر فرمودند: «اگر انسان، شکر نعمت های خدا را به جا نیاورد و آنها را در

راه درست مصرف نکند به فشار قبر مبتلا می شود» ۱۸.

اگر سعی کنیم در مقابل نعمت هایی که خدا به ما داده است شکر گزار باشیم و تا آنجا که می توانیم به دیگران کمک کنیم از فشار قبر در امان خواهیم بود.

وقتی که خداوند به تو پول و ثروت داده است و در همسایگی تو خانواده فقیری زندگی می کند که به نان شب محتاج است، باید بدانی که اگر به آن همسایه رسیدگی نکردی به فشار قبر مبتلا خواهی شد.

شکرگزاری ثروتی که خدا به تو داده است این است که به فکر مردم باشی و گره از زندگی آنها بگشایی، نه این که فقط و فقط به فکر خودت باشی!

تازه اگر هم می خواهی به فکر خودت باشی چرا فقط به فکر دنیای خودت هستی!

بیا مقداری هم به فکر قبر و قیامت خود باش!

مطر مرگ حق نیست و تو دیر یا زود باید به سوی قبر بروی!

قبر هر روز این چنین فریاد می زند: «من خانه تاریکی هستم، برای خودت چراغی بیاور. من خانه تنهایی هستم، برای خودت مونس بیاور» ۱۹.

این صدای قبر من و تو است که ما را خطاب قرار می دهد اما ما چقدر این پیام را می شنویم!

بیا تا با شکرگزاری از نعمت هایی که خدا به ما داده است رحمت و مهربانی خدا را به سوی خود جذب کنیم و سفر قبر و قیامت خود را در کمال آرامش طی کنیم.

بهترین عبادت ها چیست؟

آیا موافقت با هم یک مسابقه شکرگزاری برگزار کنیم؟

در این مسابقه ما می خواهیم از نفرات برتری که به بهترین صورت شکر نعمت های خدا را بجا آورده باشند، تقدیر کنیم.

آیا شما موافقت هستید که داوری این مسابقه به عهده من

باشد؟

البته طبیعی است هر داوری برای داوری کردن باید معیارهایی داشته باشد، من قول می‌دهم که با استفاده از سخنان امام صادق(ع) معیارهای داوری را مشخص کنم و به داوری بپردازم.

حالا که با داوری من موافق هستید، بهتر است که من نفرات اول تا سوم را انتخاب کنم.

کار انتخاب تمام شد و الان دوست دارم که این سه نفر برتر را خدمت شما معرفی کنم و از آنها دعوت کنم تا ویژگی‌های خود را برای شما بگویند. ۲۰

نفر اول: اسم من سعید است، من نیز همیشه به یاد نعمت‌های خدا بودم و سعی می‌کردم که نعمت‌های خدا را در راه معصیت و گناه مصرف نکنم ضمن آنکه تلاش می‌کردم تا با استفاده از نعمت‌هایی که خدا به من داده است به مردم کمک کنم.

من می‌دانم نمی‌توانم آن طور که شایسته است شکر خدا را بجا آورم، چرا که وقتی من شکر خدا را می‌کنم در واقع همین شکر کردن هم نعمتی از طرف خداست زیرا اگر توفیق خدا نبود من نمی‌توانستم این شکر را انجام دهم.

پس اگر من شکر خدا را انجام می‌دهم این شکر نیاز به شکر دیگری دارد، و همین طور شکر دوم نیاز به شکر سومی دارد ...

پس هیچ گاه نمی‌توانم شکر نعمت‌های خدا را بجا آورم.

نفر دوم: اسم من نرجس است، من نیز همواره به یاد نعمت‌هایی که خدا به من داده است هستم و تلاش می‌کنم که نعمت‌های خدا را در راه معصیت استفاده نکنم. ۲۱

اگر خداوند به من نعمت ارزانی داشت و به من ثروت و دارایی داد با آن زمینه گناه را برای خود و جامعه فراهم

نکنم.

خداوند به من نعمت زیبایی داده است و من تلاش می کنم تا با رعایت حجاب، باعث خشنودی خدا شوم.

نفر سوم: اسم من حمید است، من همواره به یاد نعمت هایی که خدا به من داده است می باشم و سعی می کنم شکرگزار خدا باشم.

من هرگز به نداشته هایم فکر نمی کنم بلکه همیشه به این می اندیشم که خداوند چه نعمت های زیادی به من داده است.

دوست من!

بیا ما هم مانند نفر اول تلاش کنیم که به یاد نعمت هایی که خدا به ما داده باشیم و همیشه زیبایی ها را در زندگی خود ببینیم و در مورد آنها فکر کنیم.

آیا می دانی وقتی به نعمت هایی که خدا به شما داده است فکر می کنید به طور ناخودآگاه نعمت های دیگر را به سوی خود جذب می کنید؟

ذهنی که همواره به زیبایی ها می اندیشد زیبایی ها را به سوی خود جذب می کند.

بیا تلاش کنیم تا نعمت های خدا را در راه طاعت و بندگی خدا به کار بگیریم و به دیگران کمک کنیم و خطاب به خدای خود این چنین بگوییم: «خدای من! من نمی توانم شکر نعمت های تو را بجا آورم. تو این اعتراف به ناتوانی در شکر کردنت را از من پذیرا باش.»

مثل من بنده شکرگزار باش

آیا «ابو حمزه ثمالی» را می شناسی؟

او کسی است که دعای امام سجاد(ع) در سحرهای ماه مبارک رمضان را برای ما نقل کرده است.

یک روز ابو حمزه، هنگام خواندن قرآن به این آیه رسید که خداوند در مورد حضرت نوح(ع) می فرماید: (إِنَّهُ كَانَ عَابِدًا شَكُورًا): «او بنده شکرگزاری بود». ۲۲

او به فکر فرو رفت که چرا خداوند حضرت نوح(ع) را به عنوان بنده شکرگزار معرفی می کند؟

همین سؤال را از امام باقر(ع) نمود و آن حضرت در پاسخ

او فرمود: برای اینکه حضرت نوح(ع)، دعایی را هر روز، صبح و شام، سه بار می خواند.

ابوحمزہ عرض کرد: آیا می شود آن دعا را به ما یاد دهید؟

امام سجاد(ع) فرمود: آن دعا این است:

أَصْبَحْتُ أَشْهَدُكَ مَا أَصْبَحْتُ بِهِ مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عَافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَإِنَّهَا مِنْكَ، وَحَدَاكَ لَا شَرِيكَ لَكَ.

صبح نمودم و شهادت می دهم هر نعمتی که (در دین و دنیا) دارم و همه بلاهایی که از من دور می شود، از لطف و رحمت تو است، تو آن کسی هستی که هیچ شریکی نداری.

ما باید این مثبت اندیشی زیبا را از حضرت نوح(ع) فرا بگیریم و هر روز صبح که از خواب برمی خیزیم به نعمت هایی که خدا به ما داده است فکر کنیم و شکر آنها را بجا آوریم که همین شکرگزاری باعث می شود نعمت های بیشتری را به سوی خود جذب کنیم.

چرا از مردم تشکر کنیم؟

صحرای قیامت است و چه غوغایی است! همه مردم سر از خاک برداشته و آماده اند تا به حساب کردار و رفتار آنها رسیدگی شود.

در این میان چشم من به یکی از دوستانم می افتد.

او را برای حسابرسی می برند، خدا او را خطاب قرار می دهد و می گوید: آیا از کسانی که به تو خوبی کردند، تشکر نمودی؟

او در جواب می گوید: خدایا! مگر همه خوبی ها از آن تو نیست، من همواره شکر تو را می کردم، و آن چنان ذهن من مشغول شکرگزاری تو بود که اصلاً به غیر از تو اندیشه نداشتم. من غیر از تو کسی را نمی دیدم که بخواهم از او تشکر کنم.

ظاهراً این دوست ما، اهل عرفان شده بود. او خیال می کرد که خدا هم این حرف ها را می پسندد!

او منتظر بود تا

خداوند او را به خاطر این کارش مورد تشویق قرار دهد و مثلاً به او بگوید: چه خوب کاری کردی که به جز ما کسی را ندیدی و فقط از ما تشکر کردی!

آیا می دانید خداوند در جواب او چه فرمود؟

این جواب خدا بود: «چون از مردم تشکر نکردی شکر مرا هم بجا نیاوردی. مردم به تو این همه خوبی کردند و از آنها تشکر نکردی، دلت خوش بود که به سجده می روی و هزاران بار «شکراً لله» می گویی. من هیچ کدام از شکر کردن های تو را قبول نمی کنم برای اینکه تو به وظیفه ات عمل نکردی. چه کسی به تو گفت که آن چنان، غرق شکر کردن من شوی که دیگران را فراموش کنی؟ مگر کسانی که به تو کمک کردند بندگان خوب من نبودند، هر کس از مردم تشکر کند در واقع شکر مرا بجا آورده است. من هیچ وقت از تو نخواستم تا مردم را فراموش کنی، تو وظیفه داشتی در مقابل خوبی های دیگران از آنان تشکر کنی.»

دوست من! خداوند می خواهد ما در مقابل نیکی کردن دیگران بی تفاوت نباشیم.

وقتی که شخصی به ما نیکی می کند و ما از او تشکر می کنیم در واقع داریم او را به انجام کارهای نیک تشویق می کنیم.

خداوند می خواهد همواره تشویق به کار خیر در جامعه اسلامی موج بزند و همه یکدیگر را با تشکر نمودن به انجام کار خیر تشویق بنمایند.

برای همین است که خداوند تشکر از مردم را تشکر از خودش قرار داده است.

آری، اگر ما تشکر از مردم را فراموش کنیم خداوند تمام شکرگزاری ما را قبول نمی کند!

همین الان کتاب را زمین بگذار و یک قلم

و کاغذ بردار و لیست تمام افرادی که در زندگی به تو کمکی کرده اند یادداشت کن!

و برنامه ای بریز که از همه آنها تشکر کنی تا خداوند از تو راضی باشد. ۲۳

احترام نان و برکت خدا را بگیر

صدای اذان ظهر از مسجد رسول خدا به گوش می رسد، همه مسلمانان برای خواندن نماز به مسجد می آیند.

سلمان وضو می گیرد و به سوی مسجد می آید، در بین راه با راستگوترین فرد تاریخ، ابوذر برخورد می کند. ۲۴

این دو به یکدیگر علاقه زیادی دارند و وقتی یکدیگر را می بینند مثل این است که تمام دنیا را به آنها داده اند.

سلمان رو به ابوذر می کند و می گوید: آیا امروز به خانه من می آیی تا نهار در خدمت شما باشم!

ابوذر لبخندی می زند. آنها نماز را همراه با رسول خدا می خوانند و بعد از عرض سلام و ادب خدمت آن حضرت به سوی خانه سلمان حرکت می کنند. سلمان بسیار خوشحال است چرا که امروز مهمان عزیزی دارد. او با ظرف آبی از مهمان خود پذیرایی می کند و با هم مشغول گفتگو می شوند. موقع صرف غذا می شود و سلمان سفره را پهن می کند. در میان سفره دو قرص نان است و یک ظرف آب! ابوذر دست خود را به سوی نان ها می برد، آنها را از روی سفره برمی دارد و نگاه کرده و براندازی می کند. سلمان رو به ابوذر می کند و می گوید: برای چه به نان ها نگاه کردی؟

ابوذر می گوید: می خواستم ببینم آیا آنها خوب پخته شده اند یا نه؟

سلمان جواب می دهد: ای ابوذر! آیا می دانی در تهیه شدن این نان چقدر زحمت کشیده شده است؟ آیا می دانی فرشتگان باران، رحمت خدا را نازل کردند و زمین دانه گندم را در خود پذیرا شد تا

دانه گندم سبز شود. آیا می دانی چقدر رحمت و برکت خدا در این نان وجود دارد؟ آیا تو این گونه شکر نعمت خدا را می نمایی؟

ابوذر سر خود را پایین انداخته، به سخنان سلمان گوش می دهد. آری، نان محترم است و ما باید با احترام با آن برخورد کنیم. این احترام ما به برکت خدا است که نشان دهنده شکر ما می باشد.

ابوذر می گوید: من از این کاری که انجام دادم عذرخواهی می کنم و از خداوند هم می خواهم این کار مرا ببخشد.

دوست من! دیدید که سلمان با ابوذر چگونه برخورد کرد. اگر الآن سلمان سر سفره های ما حاضر شود چه می گوید؟ ما چقدر از نان احترام می گیریم. بی جهت نیست که برکت زندگی ما کم شده است.

شکر نعمت خدا به این نیست که به سجده برویم و صد بار «شکرا الله» بگوییم. شکر واقعی این است که برکت خدا را احترام کنیم و از اسراف کردن خودداری کنیم. ۲۵

ای موسی، حق شکر را ادا کن!

همه می دانیم که یکی از اسم های حضرت موسی (ع)، «کلیم الله» است.

کلیم الله به معنای کسی است که با خدا سخن گفته است و خدا هم با او هم کلام شده است.

آیا موافقید یکی از سخنان خدا با حضرت موسی (ع) را بشنوید؟

خدا به او فرمود: «ای موسی! مرا شکر کن آن گونه ای که شایسته من است».

موسی مقداری به فکر فرو رفت، آخر چگونه من می توانم حق شکر خدا را ادا کنم.

او به یاد نعمت هایی که خدا به او داده بود افتاد، آن روز که فرعون همه فرزندان پسر را قتل عام می کرد؛ چگونه خدا جان او را نجات داده بود.

آن روز که مادرش او را در صندوقچه ای قرار داد و او را

در رود نیل رها کرد، این خدا بود که او را به سلامت به ساحل نجات رهنمون ساخت.

ذهن موسی(ع) به سرعت، مهربانی های خدا را جستجو می کرد و به موسی(ع) نشان می داد.

خداوند هزاران هزار نعمت و رحمت به موسی(ع) داده است. چه نعمتی بالاتر از آن که او اکنون هم سخن خدا شده است.

سرانجام موسی(ع) خطاب به خدا عرضه داشت: بار خدایا! من چگونه حقّ شکر تو را بجا آورم حال آنکه می دانم هر شگری که بجا آورم نعمت جدیدی است که باید شکر آن را نیز بجا آورم. من از شکر کردن تو عاجز و ناتوانم.

اینجا بود که خداوند به موسی(ع) خطاب کرد: ای موسی! اکنون که به ناتوانی خود در ادای شکر من اعتراف کردی حقّ شکر مرا بجا آوردی!

آری، هیچ کس نمی تواند حقّ شکر خدا را به جا آورد، اما خداوند یک قانون دارد و آن این است که هر کس از صمیم دل اعتراف کند که ای خدا، من نمی توانم شکر نعمت های تو را بجا آورم، خداوند این اعتراف را به جای شکرگزاری واقعی قبول می کند! ۲۶

از نعمت های خدا سخن بگو

آیا می دانید در مورد هر چه فکر کنید و سخن بگویید آن را به سوی خود جذب می کنید؟

اگر همواره از بیماری و فقر سخن بگویید آن را بیشتر به سوی خود می کشانید!

حتما در زندگی خود با افرادی روبرو شده اید که همواره دم از یأس و ناامیدی می زنند و هر کجا مجال سخن بیابند منفی ها را بیان می کنند، آنها نمی دانند با این کارشان همان بدی ها را به سوی خود جذب می کنند.

امیدوارم شما از آن افرادی باشید که همواره در زندگی خود به زیبایی ها فکر کنید و در

مورد آن سخن بگویند که از همین راه می‌توانید زیبایی‌ها را در زندگی خود رشد دهید.

آری، کلام تو عصای معجزه‌گر تو می‌باشد، تو می‌توانی با حرکت دادن این عصا شادمانی و ثروت را به جای اندوه و تنگدستی بنشانی!

امروزه ثابت شده است که واژه‌ها با تصاویری که به همراه خود در ذهن ما ایجاد می‌کنند بر ضمیر ناخودآگاه ما اثر می‌گذارند.

ما در دنیای خارج همان را درو می‌کنیم که در عالم اندیشه خود کاشته ایم برای همین باید تلاش کنیم تا در ذهن خود همواره زیبایی‌ها را قرار دهیم و در زبان خود را به بدی‌ها باز نکنیم.

آری، تکرار کلام زیبا بر ذهن نیمه‌هشیار آدمی اثر می‌گذارد، شاید شما در ابتدا نتوانید اندیشه خود را مهار کنید که به خوبی‌ها بیندیشد، اما کلام و سخن خود را می‌توانید در اختیار بگیرید.

همواره سعی کنید کلام زیبا به زبان آورید تا اندیشه شما هم زیبا شود آن وقت می‌بینی که چگونه زیبایی‌ها یکی پس از دیگری در زندگی شما طلوع می‌کند.

فکر می‌کنم دیگر تو با ضرورت کلام مثبت آشنا شدی و دانستی که این کلام مثبت است که باعث می‌شود تا زیبایی‌ها در زندگی تو رشد کند و به ثمر بنشیند.

اگر امروزه بشر به ضرورت کلام مثبت پی برده است، چهارده قرن قبل اسلام به ما دستور داده است که در زندگی خود از این اصل پیروی کنیم.

در همین قرآنی که ما ده‌ها بار آن را خوانده ایم به این اصل اشاره شده است.

به راستی ما چقدر با پیام‌های قرآن آشنا هستیم؟

این آیه را بخوان و در آن فکر کن:

(وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ): «و از

نعمت هایی که خدا به تو داده است با مردم سخن بگو.» ۲۷.

جامعه ما چقدر نیازمند عمل نمودن به این اصل است. اگر مردم ما عادت داشتند در مورد نعمت هایی که خدا به آنها داده است، سخن بگویند آیا دیگر این همه ناامیدی و ناشکری در جامعه ما موج می زند؟

ما عادت کرده ایم از اوّل صبح که از خواب بیدار می شویم به فکر نداشته های خود باشیم و تا شب همین طور بدویم تا شاید به نداشته های خود برسیم.

اما نمی دانیم که نداشته های ما نامحدود است و هیچ وقت تمام نمی شود!

و برای همین است که جامعه به اصطلاح اسلامی ما در عطش دنیاطلبی می سوزد!

دیگر قناعت در این جامعه یک افسانه شده و برای همین است که آرامش هم به افسانه ای بدل گشته است!

اما هنوز هم دیر نشده است!

ما می توانیم بر این حرکتی که جز تشویش خاطر برای ما ندارد خاتمه ببخشیم.

بیاید تصمیم بگیریم به حرف قرآن گوش فرا دهیم!

از اوّل صبح تا آخر شب فقط در مورد نعمت هایی که خدا به ما داده است فکر کنیم و سخن بگوییم. ۲۸.

اگر در خانه همسر مهربانی داریم که به ما عشق می ورزد، اگر فرزندان سالمی داریم، اگر بدن سالمی داریم و ... در مورد اینها فکر کنیم و سخن بگوییم.

جالب این است که چون زبان خود را به ذکر نعمت های خدا باز کنی طبق قانون جذب، نعمت های دیگر را به سوی خود می کشانی و برای همین می بینی که برکت زندگی تو زیاد و زیادتر شد.

آری، این یکی از راه های شکرگزاری است که تو در مورد نعمت هایی که خدا به تو داده است سخن بگویی!

تازه این طوری عشق و محبت تو به خدا هم زیاد

و زیادت‌تر می‌شود، چرا که وقتی که نعمت‌های خدا را یادآوری می‌کنی به‌طور ناخودآگاه به روح خود این پیام را می‌دهی که خدا چقدر در حق من مهربانی کرده است و همین باعث می‌شود که تو خدا را از صمیم قلب دوست داشته باشی!

و به راستی در این دنیا چه چیز قیمتی‌تر از دوستی با خدا است؟

آری، با این یادآوری نعمت‌ها، محبت به خداوند متعال در دل شما جوانه می‌زند و با استمرار این کار فکری، این جوانه تبدیل به درختی پربار می‌شود و هر لحظه میوه معاشقه با خدا بر این درخت به ثمر می‌نشیند.

رسول خدا فرمودند: «خداوند به حضرت داوود(ع) وحی کرد: ای داوود! کاری کن که مردم مرا دوست داشته باشند. و داوود(ع) چنین عرضه داشت: چگونه مردم را به سوی محبت تو دعوت کنم؟ خطاب رسید: نعمت‌های من را برای مردم یاد آوری کن، زیرا هرگاه تو مردم را به یاد نعمت‌های من بیندازی، آنان به من محبت خواهند ورزید.» ۲۹

آری، چقدر زیبا است انسان ساعتی بنشیند، با خود خلوت کند و یاد نعمت‌های خدا کند. ۳۰

فروتنی بهترین شکر است

مشرکان مکه مسلمانان را اذیت و آزار می‌نمودند و آنها را با انواع شکنجه‌ها عذاب می‌دادند.

پیامبر دستور دادند تا عده‌ای از مسلمانان به رهبری جعفر طیار -برادر حضرت علی- به کشور حبشه مهاجرت کنند. نجاشی پادشاه حبشه بود و مذهب رسمی آن کشور مسیحیت بود.

پادشاه حبشه از مسلمانان پذیرایی کرد و به آنان محبت زیادی نمود و تا زمانی که آنها در کشور او حضور داشتند از هیچ همیاری و همکاری با آنان دریغ ننمود.

یک روز جعفر طیار برای دیدن نجاشی به سوی قصر او

حرکت نمود.

به نجاشی خبر دادند که جعفر طیار می خواهد به حضور شما بیاید.

نجاشی دستور داد تا جعفر را به خدمت او راهنمایی کنند.

وقتی که جعفر وارد قصر شد، صحنه ای را دید که بسیار تعجب کرد.

دفعات قبل که جعفر خدمت نجاشی می آمد او را بر روی تخت پادشاهی می دید در حالی که لباس های شاهانه به تن داشت و تاج گران قیمتی بر سر او بود.

اما امروز نجاشی را می بیند که لباس ساده ای به تن کرده و بر روی زمین نشسته است و آن تاج گران قیمت را بر سر ندارد. جعفر عرض سلام و ادب نمود و در گوشه ای متحیر ایستاد.

نجاشی چون تعجب جعفر را دید به او رو کرد و گفت: «در کتاب آسمانی ما آمده است که هر گاه خدا نعمتی به بنده ای داد باید شکر آن را بجا آورد و هیچ شکرگزاری همانند تواضع و فروتنی نیست. دیشب به من خبر رسیده است که محمد در جنگ بر مشرکان پیروز شده است. پیروزی لشکر خداپرستان نعمتی بود که باعث خوشحالی من شد و من باید شکر این نعمت را بجا می آوردم، برای همین امروز من لباس شاهانه نپوشیده و بر روی زمین نشسته ام تا خدای خویش را با تواضع و فروتنی شکر کنم.» ۳۱

دوست من!

این داستان زیبا را امام صادق(ع) برای ما نقل کرده است تا ما هم از پادشاه حبشه درس بگیریم و با تواضع و فروتنی در مقابل مردم، شکرگزار نعمت های خدا باشیم.

آری، اگر روزی و روزگاری مقام تو بالا رفت و به پست و ریاستی رسیدی بدان که شکر این نعمت این است که دچار غرور نشوی و در مقابل مردم

متواضع باشی.

اگر پست و مقام داری و با زبردست خود با تکبر و غرور برخورد کردی، بدان که کفران نعمت کرده ای و خداوند چه زود این پست را از تو می گیرد.

اما اگر با همه با تواضع روبرو شدی و به درد دل مردم گوش فرا دادی بنده شکر گزار و خوب خدا هستی!

بهترین برنامه شکرگزاری

هیچ چیز برای شکر کردن نعمت های خدا همانند این نیست که در مقابل عظمت خدا به سجده بروی و از او تشکر کنی.

آیا شما با برنامه شکرگزاری امام رضا(ع) آشنا هستید؟

آیا می دانید که آن حضرت برای خود برنامه ویژه ای داشتند و هر روز آن را انجام می دادند؟

امیدوارم همه ما بتوانیم مانند امام رضا(ع) این برنامه را انجام دهیم و بهترین شکر گزار نعمت های خدا باشیم.

شما اگر یک ماه به این برنامه عمل کنی آرامشی بس بزرگ در وجود خود خواهی یافت ضمن آنکه زمینه زیاد شدن نعمت های خدا را برای خود فراهم کرده ای.

اما برنامه شکرگزاری امام رضا(ع) به این صورت بود:

بعد از نماز ظهر امام رضا(ع) به سجده شکر می رفت و صد بار این ذکر را تکرار می کرد: «شکرا لله»!

بعد از نماز عصر نیز امام به سجده می رفت و صد بار «حمدا لله» را تکرار می کرد. ۳۲

اگر ما بعد از هر نماز واجب به سجده برویم و از خداوند تشکر کنیم می توانیم مهربانی خدا را به سوی خود جذب کنیم.

وقتی که تو به سجده می روی، در حالت تمرکز قرار می گیری و ذهنت فقط به زیبایی ها می اندیشد!

تو شکر خدا به زبان می آوری و کامپیوتر ذهن تو به دنبال آن نعمت هایی می گردد که خدا به تو ارزانی داشته است.

نعمت هایی که خدا به تو داده است از مقابل ذهن

تو عبور می کنند و تو شکر همه آنها را بجا می آوری!

خدا به تو تن سالم داده، نیروی فکر به تو عنایت کرده است که با آن می توانی کارهای بزرگی انجام دهی، به تو ایمان به خودش را ارزانی داشته است و محبت به خودش را در قلبت قرار داده است!

آیا اینها جای شکرگزاری ندارد!

هنوز تو در سجده ای و می خواهی همانند امام رضا(ع) صد بار از خدا تشکر کنی، و آرام و شمرده می گویی: «شکرا لله».
خدایا من از تو ممنونم.

و چون صد بار این ذکر را گفتی و سر از سجده برداشتی دیگر زندگی خود را جور دیگری می بینی.

تو دیگر مثبت بین و مثبت اندیش شده ای. دیگر فقط به داشته های خود می اندیشی.

دیگر زندگی خود را با زندگی دیگران مقایسه نمی کنی، تو چشم خود را به روی آن همه نعمتی که خدا به تو داده است باز می کنی!

خواننده عزیز!

از شما می خواهم ساعتی با خود خلوت کنی و به نعمت هایی که خدا به تو داده است فکر کنی.

آیا می دانید که در ریه های شما، حدود ۷۵۰ میلیون بادکنک کوچک وجود دارند که همواره از هوا پر و خالی می شوند و اکسیژن را به خون می رسانند؟

اگر قیمت هر کدام از آنها را ۱۰ تومان حساب کنید (در حالی که بشر با تمام پیشرفت های خود حتی از ساختن یکی از آنها عاجز است)، در همین سینه شما، ۵/۷ میلیارد تومان سرمایه وجود دارد.

آیا اطلاع دارید که در خون شما ۳۰ هزار میلیارد سرباز سرخ پوش (گلبول های قرمز) وجود دارند که نقش خدمتگزارانی صمیمی را ایفا می کنند و اکسیژن را که مایه حیات سلول های بدن ما می باشد از ریه به سلول ها می رسانند و گاز کربنیک

را که یک ماده کشنده و سمی است، از آنها گرفته و به ریه ها می آورند تا به این وسیله هوای تنفسی به خارج بدن دفع شود؟

در مدت ۳۰ ثانیه این گلبول های قرمز به تمام سلول های بدن سرکشی می کنند و با جدیت و نظم، وظیفه خود را انجام می دهند؛ یعنی هم به سلول ها غذا می رسانند و هم نقش یک سازمان نظافت را در بدن ایفا می کنند.

عجیب است که روزانه ۲۰۰ میلیارد از این سربازان سرخ پوش در راه انجام وظیفه خود فدا می شوند و برای این که در این سازمان خدمت رسانی، خللی ایجاد نشود معادل همین مقدار، هر روز تولید می شود.

آیا می دانید که در خون شما ۵۰ میلیارد سرباز سفیدپوش (گلبول های سفید) نیز وجود دارد که در بدن شما نقش یک ارتش مجهز را بازی می کنند و به همه قسمت های بدن شما سر می زنند و هر گاه نقطه ای از بدن شما مورد هجوم میکروب ها قرار بگیرد این سربازان به مقابله با میکروب ها برمی خیزند و در راه سلامت بدن شما تا سر جان فداکاری می کنند. به راستی اگر این سربازان مدافع نبودند، سلامت بدن ما در مقابل هجوم میکروب ها به خطر می افتاد.

تازه اینها ذره ای از نعمت های بی شماری است که خدا به ما داده است و ما کمتر به آنها فکر می کنیم.

پس بیایید زبان به شکر این خالق حکیم بگشاییم و اگر فرصت گفتن صد باره این ذکر را نداریم، می توانیم با سه بار گفتن ذکر «شکرا لله» در سجده شکرگزاری خود را به نمایش بگذاریم. ۳۳

خدایی که از بنده اش تشکر می کند!

آیا می خواهید خدا از شما تشکر کند؟

همه جمعیت با تعجب به من نگاه کردند، مثل این که حرف تازه ای را شنیده بودند.

یکی از وسط

جمعیت رو به من کرد و گفت: وظیفه ما است که از خداوند به خاطر این همه نعمتی که به ما داده است تشکر کنیم، خدا که نباید از ما تشکر کند.

من در جواب گفتم: من باور دارم که خدا هم از بندگان خود تشکر می کند.

من کاری می شناسم که اگر شما آن را انجام دهید خدا از شما تشکر می کند.

همه جمعیتی که در مسجد بودند، با دقت به سخنانم گوش می دادند و منتظر بودند تا من سخن خود را کامل کنم.

وقتی که آمادگی کامل در مردم ایجاد شد این سخن امام صادق(ع) را برای آنها خواندم: وقتی که بنده ای نماز می خواند اگر بعد از نماز به سجده شکر رود و در سجده از خداوند تشکر کند، خداوند همه پرده ها و حجاب ها را بین آن بنده و فرشتگان آسمان برمی دارد.

فرشتگان آسمان ها نگاه می کنند و آن بنده را می بینند که در روی زمین در سجده است و از خداوند تشکر می کند.

اینجا است که خداوند با ملائکه سخن می گوید: ای فرشتگان! به بنده من نگاه کنید که نماز خود را خوانده و اکنون در سجده شکر است و به خاطر نعمت هایی که به او داده ام از من تشکر می کند.

ای فرشتگان، به نظر شما من چه چیزی به این بنده خود بدهم؟

فرشتگان مقداری فکر می کنند و در پاسخ می گویند: خدایا رحمت و مهربانی خود را بر او نازل کن!

خداوند می گوید: بعد از آن چه چیزی به او بدهم؟

فرشتگان می گویند: بهشت خود را به او ارزانی دار و حاجت های او را برآورده کن!

خداوند می گوید: دیگر چه چیزی به او عنایت کنم؟

فرشتگان فکر می کنند و هر چه از خوبی و کمال

است می گویند و به زبان می آورند.

پس از آن خداوند دوباره سؤال می کند: دیگر چه چیزی به بنده ام عنایت کنم؟

فرشتگان گیج می شوند، آنها هر چه خوبی می دانستند ذکر کرده اند، دیگر هیچ چیز به ذهن آنها نمی رسد!

هر چه خوبی بود که آنها گفتند، دیگر چه چیز خوبی هست که آنها نگفته باشند.

برای همین در جواب می گویند: خدایا ما نمی دانیم.

خداوند چون این را از فرشتگان می شنود رو به آنها می گوید: من می خواهم چیزی به او بدهم که بالاتر از همه این چیزهایی است که شما گفته اید.

به راستی خدا به بنده خود چه چیزی می خواهد بدهد که از همه بهشت و از همه خوبی ها بالاتر و بهتر است؟

همه فرشتگان منتظرند ببینند خداوند چه چیزی را به بنده خود می دهد که آن را نمی شناسند و از آن خبر ندارند.

و خداوند به فرشتگان می فرماید: ای فرشتگانم! من تشکر خودم را به بنده خود می دهم، من از بنده خود تشکر می کنم همانطور که او از من تشکر کرد. ۳۴

همه فرشتگان در تعجب می مانند. خدایی که عظمت و جلال او قابل تصوّر نیست از بنده خود تشکر می کند.

این همان چیزی است که عقل فرشته ها به آن نمی رسید. آنها باور نمی کردند که خداوند از بنده خود تشکر کند.

چون آنها هم خدا را آن طور که باید بشناسند نمی شناسند. آنان نمی دانستند که خدای ما این قدر بزرگوار و آقا باشد.

پس یادت نرود، هر گاه نمازت تمام شد به سجده شکر برو و از خدا تشکر کن تا خدا هم از تو تشکر کند.

سجده شکر پیامبر مهربانی ها

حیفم آمد که در این کتاب قصّه یکی از سجده های پیامبر را برای شما خواننده خوب بیان نکنم.

یکی از یاران پیامبر می گوید: یک روز

که حضور پیامبر بودم، دیدم که ایشان پنج سجده پشت سر هم انجام دادند.

من در فکر فرو رفتم که علت این سجده های پنجگانه چه بود.

رو به آن حضرت کردم و گفتم: ای رسول خدا، آیا می شود به من بگویید که علت این سجده های شما چه بود؟

پیامبر لبخندی زده و فرمودند: «الآن جبرئیل بر من نازل شد و به من این چنین گفت: ای محمد! آگاه باش که خدا علی را دوست می دارد. من با شنیدن این سخن به سجده رفتم تا شکر خدا را کرده باشم. چون سر از سجده برداشتم، دیدم هنوز جبرئیل کنارم ایستاده است و به من فرمود: خدا فاطمه را هم دوست دارد. با شنیدن این سخن خوشحال شدم و به سجده رفتم تا شکر آن را بجا آورم. چون سر از سجده برداشتم جبرئیل گفت: خدا حسن را دوست دارد. به سجده شکر رفتم و چون سر از سجده برداشتم، جبرئیل گفت: خدا حسین را دوست دارد.

به سجده رفتم و چون سر از سجده برداشتم جبرئیل به من گفت ای محمد! خدا دوستان خاندان تو را نیز دوست دارد. اینجا بود که من برای بار پنجم به سجده رفتم تا شکر خدا را بجا آورم.» ۳۵

دوست من! چه خوب است وقتی ما هم وقتی که خبر خوبی را می شنویم، مانند پیامبر به سجده برویم و شکر خدا را به جا آوریم.

در زندگی به چه کسی نگاه کنیم!

هر کدام از ما در زندگی داشته هایی داریم که اگر به آنها توجه پیدا کنیم زندگی برای ما دلنشین می شود.

حتما تو هم با من هم عقیده هستی که در زندگی، چیزهای فراوانی وجود دارند که می توانیم به خاطر آنها زندگی بانشاطی داشته

باشیم.

فقط یک چیز هست که باعث می شود ما هرگز در زندگی روی شادمانی را نبینیم.

وقتی که به زندگی افرادی نگاه می کنیم که ثروت آنها بیش از ما است؛ دیگر نعمت های خود را فراموش می کنیم و در حسرت زندگی دیگران عمر خود را تباه می کنیم و آرامش و شادمانی را بر خود حرام می کنیم.

دوست من! شما زندگی خود را با چه افرادی مقایسه می کنید؟

آیا شما هم زندگی خود را با زندگی افرادی مقایسه می کنید که ثروت و دارایی بیشتری دارند؟

وقتی شما به زندگی دیگران توجه پیدا می کنی و حسرت می خوری در واقع کنار پنجره زندگی خود ایستاده ای اما پشت به زندگی خود و رو به بیرون!

آیا تو می توانی آنچه را به آن پشت کرده ای ببینی؟

هرگز! تو روی داشته های دیگران تمرکز کرده ای و برای همین اندوه را برای خود خریداری می کنی و دیگر نمی توانی شکرگزار خدا باشی. ۳۶

حسرت، افسردگی و حسادت نتیجه این نوع نگاه است، وقتی که تو به برتری های دیگران چشم دوخته ای، روح و روانت به دنبال آن کشیده می شود و بعد از آن، نسبت به دیگران حسادت می ورزی و زندگی را بر خودت سخت می کنی.

اما اگر در زندگی به آنانی نگاه کنی که ثروت کمتری نسبت به شما دارند همواره در شادکامی خواهی بود.

پیامبر اسلام به ابوذر دستور می دهد تا در زندگی به کسانی نگاه کند که ثروت و دارایی کمتر از او دارند. ۳۷

در این صورت است که نقاط مثبت زندگی خود را به وضوح می توانی ببینی و شکرگزاری تو از خدا بیشتر می شود و خدا را هم بیشتر دوست خواهی داشت.

گاهی نعمت های زیادی در زندگی ما و در کنار ما هستند ولی باز ما

احساس بدبختی می کنیم، چون از وجود آنها خبر نداریم، بیایید این نعمت ها را بار دیگر پیدا کنیم و آن موقع است که شکر گزار واقعی خدا خواهیم بود.

حضرت علی (ع) می فرمایند: «به کسانی که نعمت های آن ها کمتر از توست بسیار نگاه کن، این باعث می شود تا همواره شکر خدا را به جا آوری.» ۳۸

پس اگر می خواهی همواره بنده شکر گزار خدا باشی از این دستورالعمل مولای خویش پیروی کن تا خداوند هم، به وعده خود وفا کند و نعمت های خود را بر تو زیاد و زیادتر کند.

پیش به سوی شادمانی

یکی از نکات مهم در زندگی این است که شما از هر چه شکر گزاری کنید آن را افزایش می دهید.

کلامی که نمایانگر شکر گزاری شما باشد نیروهای ذهنی و جسمی ویژه ای را در شما آزاد می کند و شما با استفاده از همین نیروها می توانید به اهداف خود برسید.

من در اینجا به شما قول می دهم که اگر اندیشه و گفتار شما سرشار از شکر گزاری باشد سلامت و شادابی زیادتری را تجربه خواهید نمود.

آری، به هر چه در زندگی خود توجه پیدا کنید باعث افزایش آن می شوید، اگر به سختی ها توجه کنید آنها را در زندگی خود بزرگ می کنید.

هرگاه احساس کردید که دارید وسوسه می شوید تا در مورد ناراحتی های خود سخن بگویید، به یاد بیاورید که خودتان دارید باعث رشد آن ناراحتی ها می شوید!

پس نگاهی به زندگی خود بکنید و نعمت هایی که خدا به شما داده است را به یاد آورید و به شکر گزاری آنها مشغول شوید و با خود این سخنان را تکرار کنید: «من برای این نعمت ها که خدا به من داده است شکر گزارم. از این که خداوند مهربان این همه در حقّ من لطف

کرده است شادمانم».

امروزه عدّه ای از پزشکان معتقدند با شکرگزاری می توان به درمان همه بیماری ها پرداخت و تصریح می کنند که شکرگزاری از پریشانی می کاهد و بیماری را درمان می کند.

شاید شنیدن این جریان برای شما جالب باشد: جوانی مبتلا به بیماری سل شده بود، و برای درمان خود به راه های مختلفی متوسّل شد، اما جواب نگرفت.

این جوان از قدرت شفابخش شکرگزاری آگاه شد و فهمید که آنچه باعث این بیماری او شده، همان انتقادات و بدبینی های او بوده است.

برای همین او تصمیم گرفت بر خلاف گذشته همه چیز و همه کس را تحسین کند و شکرگزار همه نعمت های خدا باشد.

این جوان بعد از مدّتی سلامتی خود را به طور کامل به دست آورد. ۳۹.

دوست من! هیچ گاه قدرت شکرگزاری را کم نگیرید. تنها شاه کلید زندگی بانشاط همین شکرگزاری می باشد.

شکرگزاری پادزهر همه ناخوشی های دنیا است، سعی کنید از صبح تا شام، در لحظه لحظه زندگیتان، شکر گزار و حق شناس باشید.

فقط در این صورت است که شادابی و آرامش از آن شما خواهد بود و همه، حسرت آن نشاط درونی شما را خواهند خورد.

آن خوشبختی و آرامشی که مردم به دنبال آن می گردند در مال و ثروت دنیا نیست. آیا شما می دانید آن خوشبختی گمشده کجا است؟

من می دانم آن خوشبختی را باید کجا پیدا کنیم. خوشبختی واقعی در ذهن من و تو است، وقتی به زندگی خود به گونه ای دیگر نگاه کنیم.

بیاید خوبی ها و زیبایی های زندگی خود را ببینیم و شکرگزار خدای مهربانی باشیم که این زیبایی ها را به ما ارزانی داشته است.

شاید برای شما جالب باشد که در معنای کلمه «شکر» این چنین گفته اند: شکر این است

که انسان نعمتی که خدا به او داده است در ذهن خود تصوّر کند و به یاد آورد.

آری، وقتی تو آن نعمت هایی را که خدا به تو داده است در ذهن خود یادآوری می کنی، شکر خدا را بجا آورده ای. ۴۰

البته بهتر است که در شکر کردن به همین مرحله اکتفا نکنی بلکه با زبان هم شکر خدا بگویی و در عمل هم با کمک کردن به دیگران شکر خود را کامل کنی.

برای تحوّل در زندگی خود اقدام کن!

آیا شما می خواهید که زندگی خود را متحوّل کنید؟

شما فکر می کنید برای این کار باید از کجا شروع کنید؟

یک قلم و کاغذ بردار و تمام نعمت هایی را که خدا به تو داده است لیست کن!

من از تو می خواهم قبل از نوشتن پنجاه نعمت، قلم را به زمین نگذاری.

وقتی این کار را انجام دادی به سجده برو و خدا را به خاطر این همه نعمتی که به تو داده است شکر کن.

وقتی که تو سر از سجده برمی داری، شاهد یک تغییر در نحوه فکر کردن خود خواهی بود.

آری، قبل از این تمرین، حواس تو بیشتر متوجه آن چیزهایی بود که نداشتی و بیشتر به مشکلات خود فکر می کردی!

امّا با انجام این تمرین احساس دیگری داری، چرا که تو دیگر به سوی مثبت بینی حرکت کرده ای، پس همین حالا به خاطر این نعمت های زیبایی که خدا به تو داده است، خدا را شکر کن.

خوب من!

باور کن هر چه را درباره اش فکر کنیم و به خاطر آن شکرگزاری کنیم همان را به سوی خود جذب می کنیم.

سعی کن صبح که می خواهی به سر کار خود بروی از صمیم دل از خدا شکرگزاری کنی.

تو باید روز جدید خود

را با احساس قدردانی از خدا آغاز کنی و از این طریق، آن روز به خوبی را کنترل کنی.

هیچ راهی قدرتمندتر از این نیست که روز خودت را این گونه شروع کنی، چرا که تو روز زیبایی را برای خود خلق می کنی!

بدون احساس سپاس و قدردانی از چیزهایی که داری نخواهی توانست چیزهای جدیدی را به زندگی خود جذب کنی.

بزرگان تاریخ افرادی بودند که با راز شکرگزاری آشنا بوده اند و با استفاده از همین راز توانستند موفقیت و خوشبختی را به آغوش کشند.

تو هم تلاش کن تا از این راز، کمال استفاده را بکنی و با شکرگزاری به سوی سعادت رهنمون شوی.

وقتی که تو شکرگزار نیستی و از نداشته های خود شکایت به زمین و زمان می کنی در واقع احساسات منفی به سرتاسر دنیا می فرستی!

و این احساسات منفی هم فقط می توانند منفی ها را به سوی تو جذب کنند.

امّا وقتی که تو خدا را به خاطر همه نعمت هایی که به تو داده است شکر می کنی در واقع احساسات مثبت و زیبا را به تمام دنیای پیرامون خود می فرستی و به همین خاطر است که می توانی زیبایی ها و خوبی ها را به سوی خودت جذب کنی.

هر که بیشتر شکر می کند، زرنک تر است!

اگر شما بتوانید از لحظه لحظه زندگی خود بهترین استفاده را بکنید، شکرگزار خدا هستید.

آیا می دانید وقتی که شکرگزاری برنامه هر روز شما شد، دیگر خود را در دنیا تنها و درمانده نخواهید یافت بلکه در هر لحظه خود را با تمام هستی، در ارتباط خواهید دید.

باید باور کنیم که لذت بردن از زندگی این است که نعمت هایی را که داریم قدردانی کنیم و نسبت به چیزهایی که نداریم

ناسپاس نباشیم.

ما باید یاد بگیریم که برای رسیدن به آرزوهای خود تلاش کنیم و با توکل به خدا، رسیدن به آنها را نزدیک ببینیم.

شکرگزاری یک تمرین دائمی است که در آن می‌کوشید تا با تمام دنیا ارتباط برقرار کنید، زیبایی‌ها را ببینید و از آنها لذت ببرید.

شکرگزاری، نمادی از ارتباط ذهن با معنویات می‌باشد هر قدر که ارتباط شما با ارزش‌های اخلاقی قوی‌تر باشد حس شکرگزاری نیز در شما قوی‌تر خواهد بود.

خوب من!

شکرگزاری، قدردانی و ابراز لذت و رضایت از تمام چیزهایی است که به ما ارزانی شده است.

و تو با ارسال انرژی مثبت به سوی نعمت‌هایی که داری، نعمت‌های بیشتری از تمام چیزهای خوب را به سوی خود جذب می‌کنی.

کسی که به طور مداوم برای سلامتی خود و نزدیکانش شکرگزاری می‌کند، سلامتی بیشتری در انتظارش خواهد بود، شکرگزاری برای مال و دانش و ... باعث زیاد شدن آنها خواهد شد.

بدانید که ممکن نیست چیزی به زندگی شما افزوده شود، در حالی که نسبت به آنچه دارید ناسپاس باشید!

آیا می‌دانید چرا؟

زیرا وقتی شما ناسپاسی می‌کنید احساساتی که به دنیای اطراف خود مخابره می‌کنید تماماً منفی هستند.

این احساسات نمی‌توانند مقدار بیشتری از آنچه را که می‌خواهید به سوی شما بیاورند، بلکه مانع می‌شوند تا خیر و برکت به سوی شما بیاید.

شما با شکرگزاری و تکرار مداوم آن، خیر و برکت را به سوی خود سرازیر می‌کنید.

شکرگزاری، چکیده ایمان و اعتقاد راستین بشر به صورت کاربردی است. اگر حس شکرگزاری در وجود شما نهادینه شود، شاهد خیر و برکت زیادی در زندگی خود خواهید بود.

اگر شما به دنبال طول عمر و سلامتی بیشتر هستید، با شکرگزاری

می توانید به آنها برسید.

تحقیقات دانشمندان نشان می دهد که شکرگزاری میتواند بر طول عمر آدمی اضافه کند، ضمن آنکه شکرگزاری باعث می شود، فعالیت دستگاه پاراسمپاتیک افزایش یافته و بسیاری از بیماری های قلبی و صعب العلاج درمان شوند.

آیا از فیلتر ذهن خود خبر دارید؟

مغز انسان با دقت و نظم خاصی به کنترل تمام دستگاه های بدن می پردازد و بزرگترین کامپیوترها در مقابل عظمت مغز انسان، چیزی نیستند.

در روز میلیون ها اطلاعات وارد مغز ما می شود و جالب است بدانید که مغز ما هر چه را که تغییر نکند و تازگی نداشته باشد، فیلتر می کند.

آیا تا به حال دقت کرده اید که خوبی های زندگی معمولاً تغییر نمی کنند و آن تازگی لازم را ندارند، برای همین در ذهن ما فیلتر می شوند.

الان آیا دست و پای سالمی را که داری حاضری با تمام دنیا عوض کنی؟

گوش تو با دقت می شنود، چشم تو با دقت می بیند، قلب تو با دقت کار می کند!

اینها سرمایه های بزرگ زندگی تو هستند، اما چون تازگی ندارند قدر آنها را نمی دانی!

آری، چون سلامتی برای ما تازگی ندارد کمتر متوجه آن می شویم!

ذهن ما پیام هایی که تازه نباشد را حذف می کند، چرا که ذهن برای کنترل سیستم بدن نیاز ندارد که مدام به پیام سلامتی قلب و چشم و گوش توجه کند.

یادت می آید وقتی تازه ماشین خریده بودی چقدر خوشحال بودی و احساس خوشبختی می کردی، اما بعد از یک ماه، دیگر ماشین آن تازگی خود را از دست داد و برای همین دیگر پیام «من ماشین دارم» توسط ذهن تو فیلتر شد و تو دوباره به دنبال چیز جدیدی رفتی تا به تو احساس خوشبختی بدهد.

دوست خوبم! بدان اگر همه دنیا را هم داشته باشی بعد از مدتی برای

تو عادی می شود و آن وقت به دنبال چیز دیگری می گردی!

بالاخره باید یک روز به این نکته بررسی که تا کی می خواهی به دنبال نداشته ها بروی و چون به آن رسیدی از آن سیر شوی و دوباره به دنبال یک نداشته دیگر و همین طور این چرخه معیوب ادامه پیدا کند.

بیا و همین امروز تصمیم بگیر که با استفاده از قانون شکرگرای به داشته های خود فکر کن!

چرا شما شادمانی را به آینده موکول می کنید؟ شما می توانید همین الان شاد باشید!

با تمرکز روی آن نعمت هایی که خدا به شما داده است می توانید شادمانی را به قلب خود هدیه کنید.

کمال گرایی بسیار خوب است اما نه به قیمت این که بشر همواره احساس بدبختی کند!

اگر به دنبال کمال در زندگی خود بودی اما دیگر جایی برای شادمانی و لذت بردن از آنچه الان داری نگذاشتی، بدان که هیچ گاه روی آرامش را نخواهی دید.

کمال گرا باش و برای ایجاد آینده زیباتر تلاش کن اما نگاهی هم به الان داشته باش و از نعمت هایی که داری شادمان باش!

شادمانی امروز را به عنوان سوغاتی برای فردای زیبای خود ببر!

ما راه زندگی را گم کرده ایم، ما زیستن در زمان حال را از یاد برده ایم برای همین شادمانی برای مردم ما افسانه شده است!

همه دارند می دوند تا به خوشبختی برسند اما ...

اما چقدر دیر می فهمند که خوشبختی این نیست که ما به چیزهایی که دوست داریم برسیم!

خوشبختی این است که آنچه را الان داریم دوست بداریم!

تنها با شکرگزاری است که می توان شرایط و داشته های کنونی را دوست داشت.

بیاید از نعمت هایی که خدا به ما داده است، قدردانی کنیم تا خداوند هم برکت بیشتری بر

ما ارزانی دارد.

خداوند خود وعده فرموده است که اگر شکر نعمت های مرا بکنید، من نعمت خود را برای شما زیاد کنم.

آیا تا به حال فکر کرده ای وقتی از صمیم دل شکر خدا را می کنی، همان لحظه خداوند یکی از بهترین نعمت هایش را برای شما می فرستد؟

آیا آن نعمت را می شناسید؟

وقتی تو شکر خدا را می کنی و سر به سجده می گذاری و «شکراً لله» می گویی قبل از آنکه سر از سجده برداری خدا بهترین نعمت این دنیا را به تو می دهد.

آن نعمت همان آرامشی است که گمشده مردم این روزگار است.

در این هیاهوی ماشین و کامپیوتر که همه دارند می دوند تا آرامش را در پول زیادتر و خانه و ماشین بهتر پیدا کنند و سرانجام هم آن آرامش را پیدا نمی کنند، تو با استفاده از راز شکرگزاری می توانی به آرامشی بس بزرگ برسی که همه حسرت آن را دارند.

تو خود می دانی هیچ چیز به قیمت آرامش نمی رسد، چرا اگر دنیا برای تو باشد، باز هم دنبال آن آرامش می گردی.

منابع

۱. الاختصاص ، المنسوب إلى أبي عبد الله محمد بن محمد بن النعمان العُكْبَرِي البغدادي المعروف بالشيخ المفيد (ت ۴۱۳ هـ) ، تحقيق : علي أكبر الغفّاري ، بيروت : دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع ، الطبعة الثانية، ۱۴۱۴ هـ .

۲. الأملأبو جعفر محمّد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ۴۶۰ هـ) ، تحقيق : مؤسّسه البعثه ، قم : دارالثقافه ، الطبعة الأولى ، ۱۴۱۴ هـ .

۳. الأملأبو جعفر محمّد بن علي بن بابويه القمّي (الشيخ الصدوق) (ت ۳۸۱ هـ) ، تحقيق : مؤسّسه البعثه ، قم : مؤسّسه البعثه ، الطبعة الأولى ،

٤. بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام ، محمد باقر بن محمد تقى المجلسى (ت ١١١٠ هـ) ، تحقيق : دار إحياء التراث ، بيروت : دار إحياء التراث ، الطبعة الأولى ، ١٤١٢ هـ .
٥. تاريخ المدينة المنوره ، أبو زيد عمر بن شيبه النميرى البصرى (ت ٢٦٢ هـ) ، تحقيق : فهيم محمد شلتوت ، بيروت : دار التراث ، الطبعة الأولى ، ١٤١٠ هـ .
٦. تاريخ المدينة المنوره ، أبو زيد عمر بن شيبه النميرى البصرى (ت ٢٦٢ هـ) ، تحقيق : فهيم محمد شلتوت ، بيروت : دار التراث ، الطبعة الأولى ، ١٤١٠ هـ .
٧. تاريخ مدينة دمشق ، على بن الحسن بن عساكر الدمشقى ، تحقيق: على شيرى ، بيروت : دار الفكر ، ١٤١٥ هـ .
٨. تحف العقول عن آل الرسول ، الحسن بن على الحرانى (ابن شعبه) (ت ٣٨١ هـ) ، تحقيق : على أكبر الغفارى ، قم : مؤسسه النشر الإسلامى ، الطبعة الثانية، ١٤٠٤ هـ .
٩. تذكرة الفقهاء، جمال الدين بن الحسن بن يوسف بن على بن مطهر المعروف بالعلامة الحلّى، (ت ٧٢٦ هـ)، منشورات المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، طبعه حجرية.
١٠. تفسير نور الثقلين ، عبد على بن جمعه العروسى الحويزى (ت ١١١٢ هـ) ، تحقيق: هاشم الرسولى المحلاتى ، قم : مؤسسه إسماعيليان ، الطبعة الرابعة ، ١٤١٢ هـ .
١١. التمهيد ، أبو على محمد بن همام الإسكافى المعروف بابن همام (ت ٣٣٦ هـ) ، تحقيق : مدرسه الإمام المهديّ عج ، قم : مدرسه الإمام المهديّ عج ، الطبعة الأولى ١٤٠٤ هـ .

١٢. تهذيب الكمال فى أسماء الرجال ، يونس بن عبد الرحمن المزمى (ت ٧٤٢ هـ . ق) ، تحقيق : الدكتور بشّار عوّاد معروف ، بيروت : مؤسّسه الرساله ، الطبعة الأولى ١٤٠٩ هـ .
١٣. التهذيب (تهذيب الأحكام فى شرح المقنعه) ، أبو جعفر محمّد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسى (ت ٤٦٠ هـ) ، طهران : دار الكتب الإسلاميه ، الطبعة الثالثه، ١٣٦٤ ش .
١٤. ثواب الأعمال وعقاب الأعمال ، أبو جعفر محمّد بن على بن الحسين بن بابويه القمى المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ) ، قم : منشورات الشريف الرضى ، الطبعة الثانيه ، ١٣٦٨ هـ .
١٥. جامع أحاديث الشيعة، السيّد البروجردى (١٣٨٣ هـ)، قم : المطبعة العلميه.
١٦. جامع السعادات ، محمّد مهدي بن أبى ذرّ النراقى (١٢٠٩ هـ) ، تحقيق : محمّد كلانتر ، النجف : دار النعمان للطباعة والنشر.
١٧. الجامع الصغير فى أحاديث البشير النذير ، جلال الدين عبد الرحمن بن أبى بكر السيوطى (ت ٩١١ هـ) ، بيروت : دار الفكر ، الطبعة الأولى .
١٨. جامع المقاصد، المحقّق الكركى ، (ت ٩٤٠ هـ)، تحقيق: ملّسه آل البيت لإحياء التراث، قم: المهديه، الطبعة الأولى، ١٤٠٨ هـ .
١٩. الجواهر السنيه فى الأحاديث القدسيه ، محمّد بن الحسن بن على بن الحسين الحرّ العاملى (ت ١١٠٤ هـ) ، قم : مكتبه المفيد .
٢٠. جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام ، محمّد حسن النجفى (ت ١٢٦٦ هـ) ، بيروت : مؤسّسه المرتضى العالميه .
٢١. الحدائق الناضره فى أحكام العتره الطاهره ، يوسف بن أحمد البحرانى (ت ١١٨٦ هـ) ، تحقيق : محمّد تقى الإيروانى ، قم

: مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين .

٢٢. الخصال ، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ) ، تحقيق : علي أكبر الغفاري ، قم : منشورات جماعه المدرسين فى الحوزه العلميه .

٢٣. الخلاف ، أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ٤٦٠ هـ) ، قم : مؤسسه النشر التابعه لجماعه المدرسين ، الطبعة الأولى ، ١٤٠٧ هـ .

٢٤. الدرّ المنثور فى التفسير المأثور ، جلال الدين عبد الرحمن بن أبى بكر السيوطى (ت ٩١١ هـ) ، بيروت : دارالفكر ، الطبعة الأولى ، ١٤١٤ هـ .

٢٥. دعائم الإسلام وذكر الحلال والحرام والقضايا والأحكام ، أبو حنيفه النعمان بن محمّد بن منصور بن أحمد بن حيون التميمي المغربي (ت ٣٦٣ هـ) ، تحقيق : آصف بن علي أصغر فيضى ، مصر : دارالمعارف ، الطبعة الثالثة ، ١٣٨٩ هـ .

٢٦. ذكرى الشيعة ، محمد بن مكى العاملى (الشهيد الأول) (ت ٧٨٦ هـ) ، قم : مكتبه بصيرتى .

٢٧. رجال ابن داود ، الحسن بن علي الحلبي (ت ٧٣٧ هـ) ، تحقيق : محمّد صادق آل بحر العلوم ، قم : منشورات الشريف الرضى ، ١٣٩٢ هـ .

٢٨. رجال البرقى ، أحمد بن محمد البرقى الكوفى (ت ٢٧٤ هـ) ، طهران : جامعه طهران ، الطبعة الأولى ، ١٣٤٢ ش .

٢٩. رجال الطوسى ، أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسى (ت ٤٦٠ هـ) ، تحقيق : جواد القيومي ، قم : مؤسسه النشر الإسلامى ، الطبعة الأولى ١٤١٥ هـ .

٣٠. رجال العلامة الحلبي (خلاصه الأقوال) ،

حسين بن يوسف الحلبي (العلامة) (٧٢٦ هـ) ، تحقيق : جواد القيومي ، قم : منشورات الشريف الرضي ، الطبعة الأولى ، ١٤١٧ هـ .

٣١. رجال النجاشي (فهرس أسماء مصنفى الشيعة) ، أبو العباس أحمد بن علي النجاشي (ت ٤٥٠ هـ) ، قم : مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين ، الطبعة الخامسة ، ١٤١٦ هـ .

٣٢. روضه الواعظين ، محمد بن الحسن بن علي الفتال النيسابورى (ت ٥٠٨ هـ) ، تحقيق : محمد مهدي الخراسان ، قم : منشورات الشريف الرضي .

٣٣. سنن ابن ماجه ، أبو عبد الله محمد بن يزيد بن ماجه القزوينى (ت ٢٧٥ هـ) ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي ، بيروت : دار إحياء التراث ، الطبعة الأولى ، ١٣٩٥ هـ .

٣٤. سنن الترمذى (الجامع الصحيح) ، أبو عيسى محمد بن عيسى بن سوره الترمذى (ت ٢٧٩ هـ) ، تحقيق : عبد الرحمن محمد عثمان ، بيروت : دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع ، الطبعة الثانية ، ١٤٠٣ هـ .

٣٥. شرح نهج البلاغه ، ابن أبى الحديد ، (٥٦٥٦ هـ) ، تحقيق : محمد أبو الفضل إبراهيم ، مؤسسه مطبوعاتى إسماعيليان ، قم بالأوفسيت عن طبعه دار إحياء الكتب العربيه .

٣٦. الصافى فى تفسير القرآن (تفسير الصافى) ، محمد محسن بن شاه مرتضى (الفيض الكاشانى) (ت ١٠٩١ هـ) ، قم : مؤسسه الهادى ، الطبعة الثانية ، ١٤١٦ هـ .

٣٧. صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان ، علي بن بلبان الفارسى المعروف بابن بلبان (ت ٧٣٩ هـ) ، تحقيق : شعيب الأرنؤوط ، بيروت : مؤسسه الرساله ، الطبعة الثانية ، ١٤١٤ هـ .

٣٨. صحيح البخارى ، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل البخارى

(ت ٢٥٦ هـ) ، تحقيق : مصطفى ديب البغا ، بيروت : دار ابن كثير ، الطبعة الرابعة ، ١٤١٠ هـ .

٣٩. صحيح مسلم ، أبو الحسين مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري (ت ٢٦١ هـ) ، تحقيق : محمّد فؤاد عبد الباقي ، القاهرة : دار الحديث ، الطبعة الأولى ، ١٤١٢ هـ .

٤٠. علل الشرائع ، أبو جعفر محمّد بن عليّ بن الحسين بن بابويه القمّي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ) ، بيروت : دار إحياء التراث ، الطبعة الأولى ١٤٠٨ هـ .

٤١. عيون أخبار الرضا ، أبو جعفر محمّد بن عليّ بن الحسين بن بابويه القمّي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ) ، تحقيق : السيّد مهديّ الحسينيّ اللّاجورديّ ، طهران : منشورات جهان .

٤٢. غنائم الأيام ، الميرزا القمّي ، (ت ١٢٣١ هـ) ، تحقيق : عباس تبريزيان ، قم : مركز النشر التابع لمكتب الإعلام الإسلاميّ .

٤٣. الغيبة ، أبو عبد الله محمّد بن إبراهيم بن جعفر الكاتب النعمانيّ (ت ٣٥٠ هـ) ، تحقيق : فارس الحسون ، أنوار الهدى ، الطبعة الأولى ، ١٤٢٢ هـ .

٤٤. الفصول المهمّة في أصول الأئمّه ، محمّد بن الحسن الحرّ العامليّ (ت ١١٠٤ هـ) ، تحقيق : محمّد بن محمّد الحسين القائينيّ ، قم : مؤسسه معارف إسلامي ، الطبعة الأولى ، ١٤١٨ هـ .

٤٥. الفهرست ، محمّد بن الحسن الطوسيّ (ت ٤٦٠ هـ) ، تحقيق : جواد القيوميّ ، قم : مؤسسه نشر الفقاهه ، الطبعة الأولى ، ١٤١٧ هـ .

٤٦. الكافي ، أبو جعفر ثقه الإسلام محمّد بن يعقوب بن إسحاق الكليني الرازيّ (ت ٣٢٩ هـ) ، تحقيق : عليّ أكبر الغفّاريّ ،

طهران : دار الكتب الإسلاميه ، الطبعه الثانيه ، ١٣٨٩ هـ .

٤٧. الكامل، عبد الله بن عدى (ت ٣٦٥ هـ)، تحقيق: يحيى مختار غزّاوى، بيروت : دار الفكر للطباعه والنشر والتوزيع، الطبعه الثالثه ، ١٤٠٩ هـ .

٤٨. كتاب الزهد ، الحسين بن سعيد الكوفى (ق ٢ هـ) ، تحقيق : ميرزا غلامرضا عرفانيان ، قم : المطبعه العلميه ، الطبعه الأولى ، ١٣٩٩ هـ .

٤٩. كتاب من لا يحضره الفقيه ، أبو جعفر محمد بن عليّ بن الحسين بن بابويه القمى المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، قم : مؤسسه النشر الإسلامى .

٥٠. كفايه الأثر فى النصّ على الأئمّه الاثنى عشر ، أبو القاسم عليّ بن محمد بن عليّ الخزاز القمى (ق ٤ هـ) ، تحقيق: السيّد عبد اللطيف الحسينى الكوه كمرى ، نشر بيدار الطبعه الأولى ١٤٠١ هـ .

٥١. كمال الدين وتمام النعمه ، أبو جعفر محمد بن عليّ بن الحسين بن بابويه القمى المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، قم : مؤسسه النشر الإسلامى ، الطبعه الأولى ، ١٤٠٥ هـ .

٥٢. كنز العمّال فى سنن الأقوال والأفعال ، على المتقى بن حسام الدين الهندى (ت ٩٧٥ هـ) ، تصحيح : صفوه السقا ، بيروت : مكتبه التراث الإسلامى ، ١٣٩٧ هـ ، الطبعه الأولى .

٥٣. لسان العرب ، أبو الفضل جمال الدين محمد بن مكرم بن منظور المصرى (ت ٧١١ هـ) ، قم : نشر أدب الحوزه .

٥٤. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، نور الدين عليّ بن أبى بكر الهيثمى (ت ٨٠٧ هـ)

هـ) ، تحقيق : عبد الله محمد درويش ، بيروت : دار الفكر ، الطبعة الأولى ، ١٤١٢ هـ .

٥٥. مجمع الفائدة والبرهان، المحقق الأردبيلي، (ت ٩٩٣ هـ)، الطبعة الأولى، قم: منشورات جماعه المدرّسين فى الحوزه العلميه.

٥٦. مستدرک الوسائل، الميرزا النورى، (١٣٢٠ هـ)، قم: مؤسسہ آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، الطبعة الأولى، ١٤٠٨ هـ .

٥٧. المستدرک على الصحيحين ، أبو عبد الله محمد بن عبد الله الحاكم النيسابورى (ت ٤٠٥ هـ)، إشراف: يوسف عبد الرحمن المرعشلى، طبعه مزیده بفهرس الأحاديث الشريفه.

٥٨. مسند أبى يعلى، أبو يعلى الموصلى، (٣٠٧ هـ)، تحقيق: حسين سليم أسد، دار المأمون للتراث.

٥٩. مسند أحمد، أحمد بن محمد بن حنبل الشيبانى (ت ٢٤١ هـ)، بيروت: دار صادر.

٦٠. مشكاه الأنوار فى غرر الأخبار، أبو الفضل على الطبرسى (ق ٥٧ هـ)، تحقيق: مهدي هوشمند، قم: دار الحديث، الطبعة الأولى، ١٤١٨ هـ .

٦١. معانى الأخبار، أبو جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمى المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ)، تحقيق: على أكبر الغفارى، قم: مؤسسہ النشر الإسلامى ، الطبعة الأولى ، ١٣٦١ هـ . ش .

٦٢. المعترف فى شرح المختصر، نجم الدين أبو القاسم جعفر بن الحسن المحقق الحلّى، (ت ٦٧٦ هـ)، قم: مدرسه مؤسسہ سيّد الشهداء، الطبعة الأولى، ١٣٦٤ ش.

٦٣. معجم رجال الحديث، السيّد الخوئى، (ت ٤١١ هـ)، الطبعة الخامسة، ٤١٣ هـ ، طبعه منقّحه ومزیده.

٦٤. مكارم الأخلاق ، أبو على الفضل بن الحسن الطبرسى (ت ٥٤٨ هـ) ، تحقيق: علاء آل جعفر ، قم: مؤسسہ النشر الإسلامى ، الطبعة

الأولى، ١٤١٤ هـ .

٦٥. موسوعه التاريخ الإسلامى، محمد هادى يوسفى الغروى، قم: مجمع الفكر الإسلامى، الطبعة الأولى، ١٤٧١ هـ .

٦٦. نقد الرجال، مصطفى بن الحسين التفرشى (القرن الحادى عشر)، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، الطبعة الأولى، ١٤١٨ هـ .

٦٧. النوادر، فضل الله بن على الحسنى الراوندى (ت ٥٧١ هـ)، تحقيق: سعيد رضا على عسكرى، قم: دار الحديث، ١٣٧٧ ش، الطبعة الأولى.

٦٨. نهج البلاغه، ما اختاره أبو الحسن الشريف الرضى محمد بن الحسين بن موسى الموسوى من كلام الإمام أميرالمؤمنين عليه السلام (ت ٤٠٦ هـ)، تحقيق: السيد كاظم المحمّدى ومحمّد الدشتى، قم: انتشارات الإمام على عليه السلام، الطبعة الثانية، ١٣٦٩ هـ .

٦٩. وسائل الشيعه إلى تحصيل مسائل الشريعه، محمد بن الحسن الحرّ العاملى (ت ١١٠٤ هـ)، تحقيق: مؤسسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم، الطبعة الأولى، ١٤٠٩ هـ .

نویسنده، کتب، ناشر

ارتباط با نویسنده

اشاره

دوستان خوبم! دوست دارم نظر شما را درباره این کتاب بدانم، نظر شما، سرمایه من است.

پیامک خود را به سامانه پیام کوتاه من به شماره ٣٠٠٠٤٥٦٩ بفرستید.

شما را دوست دارم و فقط به عشق شما می نویسم.

سامانه پیام کوتاه ٣٠٠٠٤٥٦٩

سایت www.hasbi.ir

ایمیل khodamian@yahoo.com

درباره نویسنده

دکتر مهدى خُدامیان آرانى به سال ١٣٥٣ در شهرستان آران و بیدگل اصفهان دیده به جهان گشود. وی در سال ١٣٦٨ وارد حوزه علمیه کاشان شد و در سال ١٣٧٢ در دانشگاه علامه طباطبائی تهران در رشته ادبیات عرب مشغول به تحصیل گردید.

ایشان در سال ۱۳۷۶ به شهر قم هجرت نمود و دروس حوزه را تا مقطع خارج فقه و اصول ادامه داد و مدرک سطح چهار حوزه علمیه قم (دکترای فقه و اصول) را اخذ نمود.

موفقیت وی در کسب مقام اول مسابقه جهانی کتاب رضوی بیروت در تاریخ ۸/۸/۸۸ مایه خوشحالی هموطنانش گردید و اولین بار بود که یک ایرانی توانست در این مسابقات، مقام اول را کسب نماید.

بازسازی مجموعه هشت کتاب از کتب رجال شیعه از دیگر فعالیت های پژوهشی این استاد است که فهارس الشیعه نام دارد، این کتاب ارزشمند در اولین دوره جایزه شهاب، چهاردهمین دوره کتاب فصل و یازدهمین همایش حامیان نسخ خطی به رتبه برتر دست یافته است و در سال ۱۳۹۰ به عنوان اثر برگزیده سیزدهمین همایش کتاب سال حوزه انتخاب شد.

دکتر خدّامیان هرگز جوانان این مرز و بوم را فراموش نکرد و در کنار فعالیت های علمی، برای آنها نیز قلم زد. او تاکنون بیش از ۵۰ کتاب فارسی نوشته است که بیشتر آنها جوایز مهمی در جشنواره های مختلف کسب نموده است. قلم روان، بیان جذاب و همراه بودن با مستندات تاریخی - حدیثی

از مهمترین ویژگی این آثار می باشد.

آثار فارسی ایشان با عنوان «مجموعه اندیشه سبز» به بیان زیبایی های مکتب شیعه می پردازد و تلاش می کند تا جوانان را با آموزه های دینی بیشتر آشنا نماید. این مجموعه با همّت انشارات وثوق به زیور طبع آراسته شده است.

کتاب نویسنده

کتاب فارسی

اشاره

ناشر همه کتاب های فارسی، نشر وثوق می باشد.

این فهرست کتاب های چاپ شده تا سال ۱۳۹۲ می باشد.

رمان مذهبی

۱ - مهاجر بهشت: حوادث روزهای پایانی زندگی پیامبر

۲ - قصه معراج: حوادث و شگفتی های معراج پیامبر

۳ - بانوی چشمه: زندگی حضرت خدیجه(س)

۴ - فریاد مهتاب: زندگی حضرت زهرا(س)

۵ - روشنی مهتاب: پاسخ به شبهات وهابیت - دفاع از حقیقت و ولایت

۶ - سرزمین یاس: ماجرای بخشش فدک به فاطمه(س)

۷ - روی دست آسمان: عید غدیر

۸ - سکوت آفتاب: شهادت حضرت امیرالمؤمنین

۹ - آرزوی سوم: ماجرای جنگ خندق

۱۰ - فانوس اول: ماجرای شهادت مالک بن نویره

۱۱ - الماس هستی: دهه امامت، غدیر خم.

۱۲ - در قصر تنهایی: ماجرای صلح امام حسن(ع)

۱۳-۱۹: هفت شهر عشق: نگاهی نو به حماسه عاشورا (این کتاب در چاپ اول در هفت کتاب چاپ شد، در چاپ دوم به بعد در یک جلد چاپ شد).

۲۰ - در اوج غربت: ماجرای شهادت مسلم بن عقیل

کتاب «سلام بر خورشید» در موضوع امام حسین(ع) می باشد (شرح زیارت عاشورا).

۲۱ - صبح ساحل: حوادث زندگی امام صادق(ع)

۲۲ - لذت دیدار ماه: ثواب زیارت امام رضا(ع)

۲۳ - داستان ظهور: زیبایی های ظهور امام زمان(ع)

۲۴ - حقیقت دوازدهم: اثبات ولادت امام زمان(ع)

۲۵ - آخرین عروس: داستان میلاد امام زمان(ع)

کتاب «راهی به دریا» شرح زیارت آل یاسین می باشد و کتاب «گمگشته دل» در فضیلت انتظار ظهور نوشته شده است. این دو کتاب نیز در موضوع امام زمان(ع) می باشد.

آموزه های دینی

۲۶ - خدای خوبی ها: خداشناسی، توحید ناب

۲۷ - با من تماس بگیرید: راه و روش دعا کردن

۲۸ - با من مهربان باش: مناجات با خدا

۲۹ - خدای قلب من: مناجات با خدا

۳۰ - تا خدا راهی نیست: سخنان خدا با پیامبران

۳۱ - در آغوش خدا: زیبایی های مرگ مومن

۳۲ - یک سبد

آسمان: نگاهی به چهل آیه قرآن

۳۳ - راهی به دریا: شرح زیارت آل یاسین معرفت امام زمان(ع)

۳۴ - سلام بر خورشید: شرح زیارت عاشورا

۳۵ - نردبان آبی: شرح زیارت جامعه، امام شناسی

۳۶ - گمگشته دل: فضیلت انتظار ظهور

۳۷ - آسمانی ترین عشق: فضیلت محبت به اهل بیت(ع)

۳۸ - همسر دوست داشتنی: زندگی زناشویی بهتر

۳۹ - بهشت فراموش شده: احترام به پدر و مادر

۴۰ - سمت سپیده: ارزش علم دانش

۴۱ - چرا باید فکر کنیم: ارزش فکر و اندیشه

۴۲ - لطفا لبخند بزنید: ارزش لبخند و شادمانی

۴۳ - راز خشنودی خدا: آثار کمک کردن به مردم

۴۴ - به باغ خدا برویم: فضیلت حضور در مسجد

۴۵ - راز شکرگزاری: شکر نعمت های خدا

۴۶ - فقط به خاطر تو: آثار اخلاص در عمل

۴۷ - معجزه دست دادن: آثار دست دادن، ارتباط اجتماعی

کتاب عربی

۴۹ - تحقیق «فهرست سعد» .

۵۰ - تحقیق «فهرست الحمیری» .

۵۱ - تحقیق «فهرست حمید» .

- ۵۲ - تحقیق « فهرست ابن بَطَّه » .
- ۵۳ - تحقیق « فهرست ابن الولید » .
- ۵۴ - تحقیق « فهرست ابن قولویه » .
- ۵۵ - تحقیق « فهرست الصدوق » .
- ۵۶ - تحقیق « فهرست ابن عبدون » .
- ۵۷ - تحقیق « آداب أمير المؤمنين » .
- ۵۸ - الصحيح فی فضل الزیاره الرضویه .
- ۵۹ - الصحيح فی البكاء الحسینی .
- ۶۰ - الصحيح فی فضل الزیاره الحسینیة .
- ۶۱ - الصحيح فی کشف بیت فاطمه (س) .
- ۶۲ - صرخه النور .
- ۶۳ - إلى الرفیق الأعلى .

نشر و ثوق

(ناشر همه کتاب های فارسی، نشر و ثوق می باشد).

انتشارات و ثوق از سال ۱۳۷۶ فعالیت خود را در حوزه نشر کتاب آغاز کرد و امروز بسیار خرسند است که قدمی هر چند کوچک در جهت ترویج تعالیم اسلام و پاسخ گویی به نیازهای فکری و فرهنگی نسل جوان کشور عزیزمان ایران برداشته و این توفیق الهی قرین راهش بوده که محققان و اندیشوران علم و ادب را همچنان از این دریای معرفت و بصیرت جرعه نوش کند.

چاپ و نشر بیش از ۳۵۰ عنوان اثر در موضوعات مذهبی، اخلاقی، اجتماعی، فلسفه و کلام به صورت عمومی و تخصصی حاصل کوشش های این انتشارات است.

از جمله کارهای بسیار مهم و ارزشمند انتشارات و ثوق قرارداد مجموعه کتابهایی تحت عنوان اندیشه سبز می باشد که این قرارداد از ابتدای سال ۱۳۸۶ شروع شده است و تاکنون توانستم ۴۸ عنوان کتاب تحت عنوان اندیشه سبز روانه بازار نمایم.

از ویژگی های مهم این مجموعه می توان به سادگی و روانی مطالب مذهبی با رویکرد داستان و رمان اشاره

کرد که با توجه به مستند بودن مطالب و استفاده از منابع دست اول کتب شیعه و سنی با قلمی بسیار شیوا جوانان عزیز را جذب کرده و کلام ناب معصومین علیهم السلام را ترویج نمایم.

خرید کتاب های فارسی نویسنده

تلفکس: ۰۲۵۳-۷۷ ۳۵ ۷۰۰

همراه: ۰۹۱۲ ۲۵۲ ۵۸ ۳۹

خرید اینترنتی: سایت نشر وثوق: www.Nashrvosoogh.com

سامانه پیام کوتاه نشر وثوق ۳۰۰۰۴۶۵۷۷۳۵۷۰۰

۱. عن معمر بن خلّاد: «قال الرضا عليه السلام: اتقوا الله، وعليكم بالتواضع والشكر والحمد، أنه كان في بني إسرائيل رجل فأتاه في منامه من قال له: إن لك نصف عمرك سعه، فاختر أي النصفين شئت، فقال: إن لي شريكا. فلما أصبح الرجل قال لزوجته: قد أتاني في هذه الليلة رجل فأخبرني أن نصف عمري لي سعه، فاختر أي النصفين شئت؟ فقالت له زوجته: اختر النصف الأول، فقال: لك ذاك، فأقبلت عليه الدنيا، فكان كلما كانت نعمه قالت زوجته: جارك فلان محتاج فصله، وتقول: قرابتك فلان فتعطيه، وكانوا كذلك كلما جاءتهم نعمه أعطوا وتصدقوا وشكروا، فلما كان ليله من الليالي أتاه الرجل فقال: يا هذا، إن النصف قد انقضى فما رأيك؟ قال: لي شريك. فلما أصبح قال لزوجته: أتاني الرجل فأعلمني أن النصف قد انقضى، فقالت له زوجته: قد أنعم الله علينا فشكرنا، والله أولى بالوفاء، قال: فإن لك تمام عمرك»: مشكاه الأنوار ص ۶۹، بحار الأنوار ج ۶۸ ص ۵۴. ۲. الإمام الصادق عليه السلام: «مكتوب في التوراه: اشكر من أنعم عليك، وأنعم على من شكرك، فإنه لا زوال للنعماء إذا شُكرت، ولا بقاء لها إذا كفرت، والشكر زياده في النعم وأمان من الغير»: الكافي ج ۲ ص ۹۴، وسائل الشيعة ج ۱۵ ص ۳۱۵، الجواهر السنیه ص ۴۰، جامع أحاديث الشيعة ج ۱۳ ص ۵۳۳. ۳. عن سعدان بن يزيد قال: «قلت لأبي عبد الله عليه السلام:

إنى أرى من هو شديد الحال مضيقاً عليه العيش، وأرى نفسى فى سعه من هذه الدنيا لا أمدّ يدي إلى شىء إلا رأيت فيه ما أحبّ، وقد أرى من هو أفضل منى قد صُيرف ذلك عنه، فقد خشيت أن يكون ذلك استدراجاً من الله لى بخطيئتي؟ فقال: أمّا مع الحمد فلا والله: مشكاه الأنوار ص ٦٦، بحار الأنوار ج ٦٨ ص ٥٤؛ الإمام الحسين عليه السلام: «الاستدراج من الله سبحانه لعبده أن يسبغ عليه النعم ويسلبه الشكر...»: تحف العقول ص ٢٤٦، بحار الأنوار ج ٧٥ ص ١١٧. ٤. عن حمّاد بن عثمان، قال: خرج أبو عبد الله عليه السلام من المسجد وقد ضاعت دابّته، فقال: لئن ردّها الله علىّ لأشكرنّ الله حقّ شكره، قال: فما لبث أن أتى بها، فقال: الحمد لله، فقال قائل له: جعلت فداك، قلت: لأشكرنّ الله حقّ شكره! فقال أبو عبد الله: ألم تسمعنى قلت: الحمد لله: الكافى ج ٢ ص ٩٧، تفسير نور الثقلين ج ١ ص ١٥؛ عن إسحاق بن عمّار، قال: «قال أبو عبد الله عليه السلام: يا إسحاق، ما أنعم الله على عبدٍ نعمه فعرّفها بقلبه وجهر بحمد الله عليها ففرغ منها، حتّى يور له بالمزيد»: مستدرک الوسائل ج ٥ ص ١٥٣، الفصول المهمّة فى أصول الأئمّه ج ٣ ص ٣٣٠، جامع أحاديث الشيعة ج ١٥ ص ٣٨٦. ٥. عن الإمام الباقر عليه السلام: «كان رسول الله عند عائشه ليلتها، فقالت: يا رسول الله، لِمَ تتعب نفسك وقد غفر الله لك ما تقدّم من ذنبك وما تأخّر؟ فقال: يا عائشه، ألا أكون عبداً شكوراً...»: الكافي ج ٢ ص ٩٥، بحار الأنوار ج ١٦ ص ٢٦٤، التفسير الصافى ج ٣ ص ٢٩٩،

جامع السعادات ج ٣ ص ١٩٢. ٦. إسحاق بن عمار بن حيان الصيرفي: شيخ من أصحابنا كوفي ثقة... رجال النجاشي ص ٧١، فهرست الطوسي ص ٣٩، رجال الطوسي ص ٣٣١، رجال البرقي ص ٢٨، رجال ابن داود ص ٤٢٦، خلاصه الأقوال ص ٢٠٠، نقد الرجال ج ١ ص ١٩٥، معجم رجال الحديث ج ٣ ص ٢٢٢. ٧. عن إسحاق بن عمار قال: «خرجت مع أبي عبد الله وهو يحدث نفسه، ثم استقبل القبلة فسجد طويلاً ثم ألزق خده الأيمن بالتراب طويلاً، ثم مسح وجهه، ثم ركب، فقلت له: بأبي أنت وأُمّي، لقد صنعت شيئاً ما رأيته قط؟ قال: يا إسحاق، إنّي ذكرت نعمه من نعم الله...»: مكارم الأخلاق ص ٢٦٥. ٨. الإمام الصادق عليه السلام: «من سجد سجده ليشكر نعمه وهو متوضّئ، كتب الله له عشر حسنات، ومحى عنه خطيئات عظام»: مستدرک الوسائل ج ٥ ص ١٥١، بحار الأنوار ج ٨٣ ص ٢١٩؛ الإمام الصادق عليه السلام: «أئما مؤمن سجد لله سجده لشكر نعمه في غير صلاه، كتب الله له بها عشر حسنات، ومحى عنه عشر سيئات...»: ثواب الأعمال ص ٣٥، الحقائق الناضرة ج ٨ ص ٣٥١، جواهر الكلام ج ١٩ ص ٢٢٦، بحار الأنوار ج ٨٣ ص ٢٠١. ٩. عن جميل، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «أوحى الله تعالى إلى موسى بن عمران عليه السلام: أتدرى يا موسى لِمَ انتجتك من خلقي، واصطفيتك لكلامي؟ فقال: لا يا ربّ، فأوحى الله إليه أنّي أطلعت إلى الأرض فلم أجد عليها أشدّ تواضعاً لي منك. فخرّ موسى عليه السلام ساجداً وعفر خديه في التراب تذلاًّ منه لربه عزّ وجلّ، فأوحى الله إليه: ارفع رأسك يا موسى،

وامرر يديك في موضع سجودك، وامسح بها وجهك وما نالت من بدنك؛ فإنه أمان من كل سقم وداء وآفه وعاهه»: الأمامي للطوسي ص ١٦٤، وسائل الشيعة ج ٧ ص ١٤. ١٠. عن إسحاق بن عمارة: «... وإذا كنت في ملأٍ من الناس، فضع يديك على أسفل بطنك واحن ظهرك، وليكن تواضعاً لله...»: تهذيب الأحكام ج ٢ ص ١١٣، وسائل الشيعة ج ٧ ص ٢٠. ١١. عن يونس بن عمارة، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «إذا ذكر أحدكم نعمه الله جلّ وعزّ، فليضع خدّه على التراب شكراً لله، فإن كان راكباً فليتنزل فليضع خدّه على التراب، وإن لم يكن يقدر على النزول للشهره فليضع خدّه على قربوسه، فإن لم يكن يقدر فليضع خدّه على كفّه، ثم ليحمد الله على ما أنعم عليه»: الكافي ج ٢ ص ٩٨، بحار الأنوار ج ٦٨ ص ٣٥. ١٢. الإمام الكاظم عليه السلام: «لن تكونوا مؤمنين حتى تعدوا البلاء نعمه...»: كتاب التمحيص ص ٣٤، تحف العقول ص ٣٧٧، بحار الأنوار ج ٦٤ ص ٢٣٧. ١٣. الإمام الباقر عليه السلام: «كلما ازداد العبد إيماناً، ازداد ضيقاً في معيشته...»: الكافي ج ٢ ص ٢٦١، دعائم الإسلام ج ٢ ص ١٩٢، النوادر للرازي ص ١١٤، بحار الأنوار ج ١٠٠ ص ٢٢٨. ١٤. عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: «المعافي الشاكر، له من الأجر ما للمبتلى الصابر، والمعطى الشاكر له من الأجر كالمحروم القانع»: الكافي ج ٢ ص ٩٤، بحار الأنوار ج ٦٨ ص ٢٨. ١٥. عن فضل البقباق قال: «سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله عزّ وجلّ: «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ»؟ قال: الذي أنعم عليك

بما

فَضْلِكَ وَأَعْطَاكَ وَأَحْسَنَ إِلَيْكَ، ثُمَّ قَالَ: فَحَدَّثَ بَدِينَهُ وَمَا أَعْطَاهُ اللَّهُ، وَمَا أَنْعَمَ بِهِ عَلَيْهِ: «الْكَافِي ج ٢ ص ٩٤، بحار الأنوار ج ٧٨ ص ٢٨، نور الثقلين ج ٥ ص ٦٠١. ١٦. «فقد خرجت للذي خرجت له، فردّني رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم من الطريق إلى ابنته التي كانت تحتي؛ لما بها من المرض، وولّيت من ابنه رسول الله الذي يحقّ عليّ، حتّى دفنتها...»: تاريخ المدينة ج ٣ ص ١٠٣١؛ همچنين مراجعه كنيد: تاريخ دمشق ج ٣ ص ١٥٢، تهذيب الكمال ج ١٩ ص ٤٤٨، موسوعه التاريخ الإسلامى ج ٢ ص ٢٢٥.

عن أبي بصير، عن أحدهما عليهما السلام: «قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لما ماتت رقيه ابنته: إنّي لأعرف ضعفها وسألت الله عزّ وجلّ أن يجيرها من ضمّه القبر...»: الكافي ج ٣ ص ٢٤١، بحار الأنوار ج ٦ ص ٢٦٦. ١٧. الإمام الصادق عليه السلام: «كان أبى يقول إذا أصبح: بسم الله وبالله... اللهمّ إنّي أعوذ بك من عذاب القبر، ومن ضغطه القبر...»: الكافي ج ٢ ص ٥٢٥، بحار الأنوار ج ٨٣ ص ٢٦٤. ١٨. عن السكوني، عن الصادق، عن آبائه عليهم السلام، قال: «قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: ضغطه القبر للمؤمن كفّاره لما كان منه من تضييع النعم»: الأمالي للصادق ص ٦٣٢، ثواب الأعمال ص ١٩٧، علل الشرائع ج ١ ص ٣٠٩، بحار الأنوار ج ٦ ص ٢٢١. ١٩. قال رسول الله عليه السلام: «لم يأت على القبر يوماً لا يتكلّم، فيقول: أنا بيت الغربه، أنا بيت الوحده، وأنا بيت الدود...»: سنن الترمذى ج ٤ ص ٥٥، كنز العمال ج ١٥ ص ٥٥٠. ٢٠. قال الصادق عليه السلام: «فى كلّ نفس من أنفاسك شكر لازم لك، بل

ألف وأكثر، وأدنى الشكر رُوِّه النعمة من الله من غير علّة يتعلّق القلب بها دون الله، والرضا بما أعطاه، وأن لا تعصيه بنعمته، وتخالفه بشيء من أمره ونهيه بسبب نعمته، وكن لله عبداً شاكراً على كلّ حال، تجد الله ربّاً كريماً على كلّ حال... وتامم الشكر اعتراف لسان السرّ خاضعاً لله تعالى بالعجز عن بلوغ أدنى شكره؛ لأنّ التوفيق للشكر نعمة حادثه يجب الشكر عليها، وهي أعظم قدراً وأعزّ وجوداً من النعمة التي من أجلها وفّقت له، فيلزمك على كلّ شكر شكر أعظم منه، إلى ما لا نهايه له...»: بحار الأنوار ج ٦٨ ص ٥٢، جامع السعادات ج ٣ ص ١٩٢. ٢١. عن ميسر، عن أبي عبد الله عليه السلام: «شكر النعمة اجتناب المحارم، وتامم الشكر قول الرجل: الحمد لله ربّ العالمين»: الكافي ج ٢ ص ٩٥، بحار الأنوار ج ٦٨ ص ٤٠. ٢٢. سورة اسراء، آيه ٣. ٢٣. عن عمّار الدّهني، قال: «سمعت عليّ بن الحسين عليهما السلام يقول: إنّ الله يحبّ كلّ قلبٍ حزين، ويحبّ كلّ عبداً شكوراً، يقول الله تبارك وتعالى لعبده من عبيده يوم القيامة: أشكرت فلاناً؟ فيقول: بل شكرتك يا ربّ، فيقول: لم تشكرني؛ إذ لم تشكره. ثمّ قال: أشكركم لله أشكركم للناس»: الكافي ج ٢ ص ٩٩، جامع أحاديث الشيعة ج ١٣ ص ٥٣٧؛ عن الرضا عليه السلام، قال: «مَنْ لم يشكر المنعم من المخلوقين، لم يشكر الله عزّ وجلّ»: عيون أخبار الرضا ج ١ ص ٢٧، وسائل الشيعة ج ١٦ ص ٣١٣. ٢٤. قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «ما أظلت الخضراء ولا أقلت الغبراء ذا لهجهٍ أصدق من أبي ذرّ...»: علل الشرائع ج ١ ص

كمال الدين ص ٦٠، معاني الأخبار ص ١٧٨، كفايه الأثر ص ٧١، كتاب الغيبة للنعماني ص ٨٤، الاحتجاج ج ١ ص ٢٢٤، مسند أحمد ج ٥ ص ١٩٧، سنن ابن ماجه ج ١ ص ٥٥، المستدرک للحاکم ج ٣ ص ٣٤٢، مجمع الزوائد ج ٩ ص ٣٢٩، صحيح ابن حبان ج ١٦ ص ٨٤، المعجم الأوسط ج ٥ ص ٢٢٣، شرح نهج البلاغه ج ٢ ص ٤٨٥، الجامع الصغير ج ١١ ص ٦٤٢. ٢٥. عن عبد العظيم الحسنى، عن أبي جعفر الثانى، عن آباءه عليهم السلام، قال: «دعا سلمان أبا ذرّ رحمه الله عليهما إلى منزله، فقدم إليه رغيفين، فأخذ أبو ذرّ الرغيفين فقلّبهما فقال سلمان: يا أبا ذرّ، لأى شىء تقلّب هذين الرغيفين؟ قال: خفت ألا يكونا نضيجين، فغضب سلمان من ذلك غضباً شديداً، ثم قال: ما أجرأك حيث تقلّب الرغيفين، فوالله لقد عمل فى هذا الخبز الماء الذى تحت العرش، وعملت فيه الملائكة حتّى ألقوه إلى الريح، وعملت فيه الريح حتّى ألقاه إلى السحاب، وعمل فيه السحاب حتّى أمطره إلى الأرض وعمل فيه الرعد والملائكة حتّى وضعوه مواضعه، وعملت فيه الأرض والخشب والحديد والبهائم والنار والحطب والملح وما لا أحصيه أكثر، فكيف لك أن تقوم بهذا الشكر!؟ فقال أبو ذرّ: إلى الله أتوب وأستغفر الله ممّا أحدثت، وإليك أعتذر ممّا كرهت...»: الأمالى للصدوق ص ٥٢٧، مستدرک الوسائل ج ١٦ ص ٢٩٤، بحار الأنوار ج ٢٢ ص ٣٢٠. ٢٦. عن ابن أبى عمير، عن أبى عبد الله صاحب السابرى فيما أعلم أو غيره، عن أبى عبد الله عليه السلام، قال: «أوحى الله عزّ وجلّ إلى موسى عليه السلام: يا موسى، اشكرنى حقّ

شكري، فقال: يا ربّ فكيف أشكرك حقّ شكرك، وليس من شكر أشكرك به إلا وأنت أنعمت به عليّ؟ قال: يا موسى، الآن شكرتني حين علمت أنّ ذلك منّي»: الكافي ج ٢ ص ٩٨، بحار الأنوار ج ٦٨ ص ٣٦. ٢٧. سورة ضحى، آية ١١. ٢٨. عن فضل البقباق قال: «سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله عزّ وجلّ: «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ»؟ قال: الذي أنعم عليك بما فضلك وأعطاك وأحسن إليك، ثمّ قال: فحدّث بدينه وما أعطاه الله، وما أنعم به عليه»: الكافي ج ٢ ص ٩٤، بحار الأنوار ج ٧٨ ص ٢٨، نور الثقلين ج ٥ ص ٦٠١. ٢٩. قال الله لداوود: «احبّنى وحبّبنى إلى خلقى... اذكر أيديّ عندهم، فإنّك إذا ذكرت ذلك لهم أحبّونى»: بحار الأنوار ج ١٤ ص ٣٧ ج ٦٧ ص ٢٢، نقلاً عن قصص الأنبياء للشيخ الصدوق. ٣٠. «التفكّر فى آلاء الله نعم العباده»: عيون الحكم والمواعظ ص ٢٩. ٣١. الإمام الصادق عليه السلام: «لَمَّا قَدِمَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مِنَ الْحَبَشَةِ، قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَحَدَّثَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، دَخَلْتَ عَلَى النَّجَاشِيِّ يَوْمًا مِنَ الْأَيَّامِ وَهُوَ فِي غَيْرِ مَجْلِسِ الْمَلِكِ وَفِي غَيْرِ رِيْشَةٍ وَفِي غَيْرِ زِينَةٍ، قَالَ: فَحَيَّيْتَهُ بِتَحِيَّةِ الْمَلِكِ، وَقُلْتَ: يَا أَيُّهَا الْمَلِكُ، مَا لِي أَرَاكَ فِي غَيْرِ مَجْلِسِ الْمَلِكِ؟... فَقَالَ: أَنَا نَجِدُ فِي الْإِنْجِيلِ: مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَلْيَشْكُرِ اللَّهَ، وَنَجِدُ فِي الْإِنْجِيلِ أَنَّهُ: لَيْسَ مِنَ الشُّكْرِ لِلَّهِ يَعْدِلُهُ مِثْلُ التَّوَاضُعِ، وَأَنَّهُ وَرَدَ عَلَيَّ فِي لَيْلَتِي هَذِهِ أَنَّ ابْنَ عَمِّكَ مُحَمَّدًا قَدْ أَظْفَرَهُ اللَّهُ بِمَشْرُكِي أَهْلِ بَدْرٍ، فَأَحْبَبْتَ أَنْ أَشْكُرَ اللَّهَ بِمَا تَرَى»: كتاب الزهد ص

٥٧، مستدرک الوسائل ج ١١ ص ٣٠١، بحار الأنوار ج ١٨ ص ٤٢١. ٣٢. عن رجاء بن أبى الضحاک: «إن الرضا علیه السلام كان یسجد بعد الفراغ من تعقیب الظهر سجده یقول فیها مئة مرّة: شکرًا لله، وبعد الفراغ من تعقیب العصر سجده یقول فیها مئة مرّة: حمداً لله، وكان یسجد بعد تعقیب المغرب وبعد تعقیب العشاء، وكان إذا أصبح صلی الغداة، فإذا سلّم جلس فی مصلاه یسبح الله ویحمده ویکبر الله ویهلله، ویصلی علی النبی صلی الله علیه وآله حتی تطلع الشمس، ثم یسجد سجده یرقی فیها حتی یتعالی النهار»: عیون أخبار الرضا ج ١ ص ١٩٤، بحار الأنوار ج ٨٣ ص ٢١٩. جهت اطلاع بیشتر در مورد سجده شکر مراجعه کنید: الخلاف ج ١ ص ٤٢٧، المعتمد ج ٢ ص ٢٧٢، ذکری الشیعه ج ٣ ص ٤٦٥، تذکره الفقهاء ج ١ ص ١٢٥، جامع المقاصد ج ٢ ص ٣١٧، غنائم الأيام ج ٣ ص ١٠٠. ٣٣. عن علی بن الحسن بن فضال، عن أبیه، عن أبی الحسن الرضا علیه السلام قال: «السجده بعد الفریضه شکر لله تعالی علی ما وفق له العبد من أداء فرضه، وأدنی ما یجزی فیها من القول أن یقول: شکرًا لله، شکرًا لله، شکرًا لله، ثلاث مرّات»: علل الشرائع ج ٢ ص ٣٦٠، وسائل الشیعه ج ٧ ص ٦. ٣٤. عن مرّام، عن أبی عبد الله علیه السلام، قال: «سجده الشکر واجبه علی کلّ مسلم، تتمّ بها صلاتک، وترضی بها ربّک، وتعجب الملائکه منک، وأنّ العبد إذا صلی ثمّ سجد سجده الشکر، فتح الربّ تعالی الحجاب بین العبد و بین الملائکه، فیقول: یا ملائکتی، انظروا إلی عبدی أدی فرضی وأتمّ

عهدي ثم سجد لي شكراً على ما أنعمت به عليه، ملائكتي! ماذا له؟ قال: فتقول الملائكة: يا ربنا رحمتك، ثم يقول الرب تبارك وتعالى: ثم ماذا له؟ فتقول الملائكة: يا ربنا جنتك، فيقول الرب تبارك وتعالى: ثم ماذا؟ فتقول الملائكة: يا ربنا كفايه مَهْمَه، فيقول الرب تبارك وتعالى: ثم ماذا؟ قال: فلا يبقى شيء من الخير إلا- قالت الملائكة، فيقول الله تبارك وتعالى: يا ملائكتي ثم ماذا له؟ فتقول الملائكة: يا ربنا لا علم لنا، قال: فيقول الله تبارك وتعالى: أشكر له كما شكر لي، وأقبل إليه بفضلي وأريه وجهي»: كتاب من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ٣٣٣، تهذيب الأحكام ج ٢ ص ١١٠، مكارم الأخلاق ص ٢٨٦، مستند الشيعة ج ٥ ص ٣٩٦، مجمع الفائده ج ٢ ص ٣٢١، بحار الأنوار ج ٨٣ ص ٢٠٥. ٣٥. سجدة خمس سجدة ليس فيهما ركوع، قال: أتاني جبرئيل فقال: يا محمد إن الله يحب فاطمه...: الكامل لابن عدي ج ٤ ص ٢٦٤. ٣٦. «إياكم أن ص تمدوا أطرافكم إلى ما في أيدي أبناء الدنيا، فمن مدّ طرفه إلى ذلك، طال حزنه...»: مستدرک وسائل الشيعة ج ٨ ص ٣٣٧ الرقم ١٧ ، بحار الأنوار ج ٧٢ ص ٣٦٧ باب ٨١ أحوال الملوك والأمراء . ٣٧. أبو ذرّ: «أوصاني رسول الله بسبع: أن أنظر إلى من هو دوني ولا أنظر إلى من هو فوقى ، وأوصاني بحب المساكين والدينوّ منهم ، وأوصاني أن أقول الحقّ وإن كان مرّاً ، وأوصاني أن أصل رحمی وإن أدبرت ، وأوصاني أن لا أخاف في الله لومه لائم ، وأوصاني أن أستكثر من قول : لا حول ولا قوّه

إلّا- بالله العليّ العظيم؛ فإنّها من كنوز الجنّة»: الخصال ج ٢ ص ٣٤٥. ٣٨. الإمام عليّ عليه السلام: «وأكثر أن تنظر إلى من
فُضِّلَ عليه؛ فإنّ ذلك من أبواب الشكر»: بحار الأنوار ج ٣٣ ص ٥٠٨. ٣٩. قانون شفا، كاترين پاندر، ترجمه گيتي خوشدل،
ص ٧٨، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ١٣٨٥، تهران. ٤٠. الشكر: تصوّر النعمه...»: مفردات غريب القرآن للراغب ص
٢٤٥.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

